

بررسی ساختار بخش صنعت و تحولات آن پس از انقلاب

مقدمه:

بصورت مستند پی برده شود. در بخش اول، بخش صنعت در مراحل مختلفی که با توجه به ویژگیهای صنایع و یا تحولات سیاسی، اجتماعی تفکیک شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. این مراحل با توجه به دیدگاه نگارنده سطور فوق مشخص شده است، بنابراین نمی‌تواند از قطعیت برخوردار باشد. در بخش دوم، در ابتدا به ساختار بخش صنعت از دیدگاه نوع صنایع تشکیل دهنده آن، نوع مالکیت کارگاههای بزرگ صنعتی، مقیاس کمیت و معیار تعداد کارکنان صنایع پرداخته شده، آنگاه به تحولات این بخش پس از انقلاب با استفاده از شاخصهای موجود اشاره شده

در این مقاله از یکسوی بخش صنعت از دیدگاه تاریخی و از سوی دیگر وضعیت کنونی آن با توجه به آمار و ارقام مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه تاریخی مورد بحث واقع شده تا به شرایط نامناسب و نامساعد که در یک پروسه تاریخی تحت تأثیر عوامل ریشه‌ای چون بی‌کفایتی زمامداران، دخالت استعمارگران و فقدان استراتژی توسعه صحیح، شکل گرفته و بدینصورت زمینه‌های مناسب رشد و تکامل صنعت را از بین برده و در نهایت ساختار غیر-کارآیی را بوجود آورده است، آگاهی حاصل شود، و با آمار و ارقام وضعیت فعلی آن نقد شده است تا به ساخت و یافت نامناسب آن

میرزا حسین خان سپهسالار هنگامی که سفیر ایران در عثمانی بود در نامه‌ای به شاه چنین نوشت: صنایع نابود شده بنحوی که اگر چند سال دیگر بگذرد بتدریج این نمونه هم که باقی است متروک شده و ابواب تجارت ایران با خارجه به کلی مسدود و در جمیع اسباب زندگی محتاج به امتعه خارجه خواهد گردید. حال آنکه با اندک توجه می‌توان اهالی ایران را از امتعه خارجه مستغنی ساخت.

غالب کارگاهها که تعداد آنها به چند صد نفر بالغ می‌شد، یکی هم تقسیم اجتماعی کار بود. طبق اظهارات ژان شاردن در عصر صفویه ۲۲ تا ۳۲ کارگاه مختص دربار وجود داشت که در هر کدام از آنها بطور متوسط ۱۵۰ استاد کار و کارگر کار می‌کردند^۱»

فی الواقع، در این دوران که مقارن با تغییر و تحولات سیاسی در اروپا و شکست فئودالیسم توسط سرمایه‌داری و پایان حاکمیت دوران سیاه قرون وسطی — بذرافشان تحولات چشمگیر صنعتی بعد — بود، نطفه صنعت در ایران بسته می‌شود که در صورت مساعد و مناسب بودن زمینه‌ها و شرایط، افقهای روشن و درخشانی برای سالهای بعد بوجود می‌آید، متأسفانه نه تنها چنین زمینه‌هایی نظیر وجود حکومت مقتدر مرکزی، نابودی موانع شکل‌گیری و تکامل — دهنده نظام سرمایه‌داری نظیر شیوه تولید آسیایی^۲ که مانع پیدایش بازارهای وسیع می‌شود، بوجود نیامد، بلکه بر اثر انحطاط

است. همچنین به وضعیت صنعت از نظر میزان وابستگی و نیروی انسانی متخصص نگاهی گذرا شده و در نهایت سیاستهای صنعتی پس از انقلاب بطور مختصر و مجمل مورد مذاقه قرار گرفته است.

بررسی بخش صنعت از دیدگاه تاریخی:
مرحله اول، رشد صنایع دستی (تا سال ۱۲۶۰)

ریشه فعالیت‌های صنعتی در ایران به قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی که مقارن با حاکمیت سلسله صفویه می‌باشد، باز می‌گردد. در این دوران تولیدات صنعتی به مرحله تولید پیشه‌وری و مانوفاکتوری ارتقاء یافته بود. ایران به مقیاس آن زمان کشوری صنعتی محسوب می‌گردید که کالاهای تولید شده توسط صنایع دستی آن به کشورهای دیگر صادر می‌شد «از مختصات که پیرامون تولیدات مانوفاکتوری در ایران آن عصر برشمرده شده گذشته از شماره کثیر کارگران

۱ — محمد رضا فشاهی، تکوین سرمایه‌داری در ایران (۱۷۹۶ — ۱۹۰۵) (تهران: انتشارات گوتنبرگ،

سلسله صفویه و سقوط آن توسط افغانها، ایران بازیچه افکار عقب مانده چند سلسله چادرنشین نظیر افشاریه، زندیه و بویژه قاجاریه گردید.

به هر حال در دوره قاجاریه، صنایع دستی و تولید پیشه‌وری تا هنگامی که پای دول بیگانه به ایران باز نشده بود، تأمین کننده نیازهای داخلی بود، اما پس از شکست ایران در جنگ با روسیه و انعقاد قرارداد گلستان در سال ۱۱۹۲ (ه. ش) و سپس قرارداد ترکمانچای در سال ۱۲۰۶ (ه. ش) و قرارداد پاریس در سال ۱۲۳۶ (ه. ش) با انگلیس، استقلال سیاسی، اقتصادی و گمرکی ایران از دست رفت و بدین سان بدلیل ضعف حاکمیت سیاسی، حقوق گمرکی کالاهای خارجی فقط ۵٪ بهای کالا بود که صادرکننده فقط برای یکبار پرداخت می نمود، در حالیکه تجار ایرانی نه تنها بازیچه هوی و هوس مأموران بودند و بدین شکل مبالغی تحت عنوان باج و عوارض راهداری پرداخت می کردند، بلکه با پرداخت حقوق گمرکی که بعضی مواقع

کمرشکن بود، درآمدهای عیش و نوش حاکمان بی کفایت قاجار را نیز بایستی تأمین می نمودند. نتیجه این شد که کالاهای ارزان قیمت خارجی با کیفیت مرغوبتری بازار ایران را از دست بازرگانان و پیشه‌وران داخلی خارج نمود، و بدینصورت واردات کالاهایی نظیر منسوجات، صنایع نساجی شهرهای صنعتی چون اصفهان، کاشان و یزد را به ورشکستگی و افلاس کشاند. ورود سیل آسای کالاهای خارجی به کشور چنان ضربه‌ای به صنعتگران داخلی وارد نمود که بعضی از مسئولین نسبت به اوضاع هشدار دادند. «میرزا حسین خان سپهسالار هنگامی که سفیر ایران در عثمانی بود در نامه‌ای به شاه چنین نوشت: صنایع نابود شده بنحوی که اگر چند سال دیگر بگذرد بتدریج این نمونه هم که باقی است متروک شده و ابواب تجارت ایران با خارجه به کلی مسدود و در جمیع اسباب زندگی محتاج به امتعه خارجه خواهد گردید. حال آنکه با اندک توجه می توان اهالی ایران را از امتعه خارجی مستغنی ساخت.»^۱ همچنین حاج

۲- در رابطه با نظام اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ایران تا قبل از رشد روابط سرمایه داری نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که شیوه تولید آسیایی یکی از آنهاست. بر اساس این نظریه، اولاً کل جامعه از جامعه‌های کوچکتری تشکیل یافته است که هرکدام از این جوامع بصورت خودمختار عمل می نمایند. این جوامع که فی الواقع روستاها را دربرمی گیرند از نظر تأمین نیازهای خویش خودکفا می باشند، لذا فقدان بازار از مشخصه‌های چنین نظامی می باشد. ثانیاً، دولت مالک اصلی تمام زمینها می باشد و ثالثاً، وصول مالیات نیز به عهده دولت قرار دارد. باتوجه به اینکه گسترش قلمرو و دامنه بازار از شرایط اساسی برای رشد سرمایه داری می باشد، چنین نظامی این شرط را برآورده نمی سازد.

۱- همان، ص ۲۱۴.

مهمترین اقدام در جهت حفظ و تقویت صنایع و تجارت داخلی، توسط امیرکبیر به عمل آمد. سیاست اقتصادی او کم و بیش شبیه سیاست کلبر در عهد لوئی چهاردهم بود و اقدامات او درباره افزایش صادرات بر واردات سیاست مرکانتلیزم کلبر را بیاد می‌آورد. او در مدت بسیار کوتاه صدر اعظمی خود در میانه قرن ۱۹ موفق شد بازارهای خوبی برای کالاهای ایران در روسیه، عثمانی و هندوستان دست و پا کند.

بدست نیاوردند، بلکه جان خویش را نیز از دست دادند. به هر حال «مهمترین اقدام در جهت حفظ و تقویت صنایع و تجارت داخلی توسط امیرکبیر به عمل آمد. سیاست اقتصادی او کم و بیش شبیه سیاست کلبر در عهد لوئی چهاردهم بود و اقدامات او درباره افزایش صادرات بر واردات سیاست مرکانتلیزم کلبر را بیاد می‌آورد. او در مدت بسیار کوتاه دوران صدر اعظمی خود در میانه قرن ۱۹ موفق شد بازارهای خوبی برای کالاهای ایران در روسیه، عثمانی و هندوستان دست و پا کند.»^۴ در هر صورت تلاشهای امیرکبیر در جهت ایجاد صنایع ماشینی قرین به موفقیت نگردید، بطوریکه پس از قتل وی معدود صنایع ایجاد شده از بین رفته و فرآیند توسعه صنعتی که از جانب دولت آغاز شده بود دچار وقفه گردید. بنابراین تا سال ۱۲۶۰، صنایع دستی، ساخت صنعت در ایران را تشکیل می‌داد.

سپاح درباره آثار و نتایج نامطلوب رونق و رواج کالاهای فرنگی می‌گوید: «این تجارت به این ترتیب در اندک زمان صنایع ایران را نابود و اهل ایران را پریشان و گرسنه خواهد کرد. راست بگویم سیل نطفی که از راه روسیه به ایران جاری است و... ثروت ایران را خواهد برد و این هزاران خروار قند و شکر دندان ایرانیان بیچاره را کند خواهد کرد و اشیاء شکستی، شیشه و بلور با رفتن و غیرهما سرایشان را خواهد شکست و بالاخره با کبریت تجارت خرمنهای کاغذ و البسه که به ایران می‌ریزد آتش خواهد گرفت.»^۱ اگرچه در این دوران افرادی نظیر عباس میرزا و امیرکبیر تلاشهایی جهت زدودن عوامل عقب ماندگی نظیر جهل و بیسوادی و ایجاد زمینه‌های رشد سرمایه‌داری داخلی، از خود نشان دادند، اما بدلیل خشونت و استبداد سلاطین بی کفایت قاجار نه تنها در این رهگذر موفقیت چندانی

۱- احمد اشرف، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*. (تهران: انتشارات زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۹۱.

۲- محمدرضا فشاهی، *پیشین، ص. ۲۱۲-۲۱۳*.

مرحله دوم، ایجاد صنایع ماشینی توسط بخش خصوصی (۱۲۹۹-۱۲۶۰) رشد سریع بازرگانی داخلی، توجه سرمایه‌گذاران خارجی به کشور را که بازار مناسبی بود جلب نمود. این امر بعلاوه پیدایش عده‌ای از تجار و بازرگانان ثروتمند، زمینه‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری در صنایع ماشینی را پس از سال ۱۲۶۰ (ه. ش) بوجود آورد.

کارخانه ابریشم تاب‌ی گیلان نخستین صنعت ماشینی قابل توجه کشور بود که با سرمایه نسبتاً زیادی نسبت به آن زمان توسط حاج امین‌الضرب و مهندسان فرانسوی در سال ۱۸۸۵ میلادی در رشت احداث گردید. در سال ۱۸۸۹ میلادی همین شخص با همکاری امین‌السلطان تلاشهایی در قالب طرح توسعه و عمران مازندران نمود. استخراج معادن آهن ماهان نور و تأسیس خط آهنی به طول ۲۱ کیلومتر میان آمل و محمودآباد از اجزای این طرح بودند که اجرای آن توأم با موفقیت نبود، لذا طرح به شکست انجامید. در سال ۱۸۹۴ مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله با مشارکت فردی بنام حاج محمد تقی تاجر معروف به شاهرودی کارخانه ریسندگی واقع در اطراف دروازه دولت احداث نمود که سرمایه آن معادل ۵۲ هزار تومان بود. سپس در سال ۱۹۰۸ حاج رحیم آقا قزوینی، یک کارخانه ریسندگی با ۲/۵ میلیون قران سرمایه در تبریز احداث نمود که در اوایل سال ۱۹۱۱ افتتاح شد. به هر حال، کارخانه‌های دیگری که در اواخر حکومت

قاجار احداث شد عبارت بودند از کارخانه‌های چینی‌سازی، کارخانه‌های کوچک چراغ‌گاز و چراغ برقی، کارخانه‌های نظامی که در زمان عباس میرزا و امیرکبیر وارد شده بود، کارخانه‌های پنبه‌پاک کنی، کارخانه‌های آسیاب بخاری، آجرپزی، صابون‌پزی، منگنه‌زنی. ساخت صنایع در این مرحله بدینصورت تشریح شده است:

«بطور کلی در نیمه اول قرن کنونی (هجری قمری) نیروی کارگری کشور که در صنایع دستی شهری اشتغال داشته‌اند حدود صد هزار نفر تخمین زده شده است که حدود شصت و پنج هزار نفر آنان در قالیبافی، بیست هزار نفر در صنایع نساجی، دو هزار نفر در صنایع فلزی، هزار نفر در تولید مصنوعات چرمی و حدود ده هزار نفر در صنایع متفرقه مانند عمل آوردن تریاک و توتون و تنباکو، سفال‌سازی، صابون‌پزی و روغن کشی اشتغال داشته‌اند. در فعالیتهای تولیدی و اقتصادی دیگر نیز حدود دویست نفر در معادن، حدود سیصد نفر در چوب‌بری، دویست نفر در راه آهن و حدود پانصد نفر در چاپخانه‌ها اشتغال داشته‌اند. گذشته از اینها صنایع و کارگاههای تولیدی جدید که در دهه آخر قرن گذشته و اوایل قرن کنونی در کشور تأسیس گردیده بود شامل ۶۱ کارخانه و کارگاه متوسط و کوچک بود که جمعاً حدود ۱۷۰۰ نفر کارگر در استخدام داشته‌اند که ۲۰ کارگاه با ۵۲۴ کارگر متعلق به سرمایه‌داران ایرانی و ۴۱ کارگاه با ۱۱۵۲

کارگر متعلق به سرمایه گذاران فرنگی بود! در اواخر قاجاریه بصورت ذیل بوده است.
 مشخصات کارخانه ها و کارگاههای ایرانی

نام کارخانه یا کارگاه	محل	تعداد	تعداد کارگران	درصد کارگران
کارخانه ابریشم تابی حاج امین الضرب	گیلان	۱	۱۵۰	۲۸/۶
کارگاههای پنبه پاک کنی	مازندران - خراسان	۹	۱۴۴	۲۷/۵
کارخانه کاغذسازی	تهران	۱	۶۰	۱۱/۴
کارخانه نخ ریشی قزوینی	تبریز	۱	۴۵	۸/۶
کارخانه برق	تبریز - مشهد - تهران	۳	۴۵	۸/۶
کارخانه بلورسازی امین الضرب	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کارخانه مابون پزی نظافت	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کوره آجرپزی حاج امین الضرب	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کارخانه فشنگ سازی	تهران	۱	۱۰	۱/۹
کارخانه آبجوسازی	تهران	۱	۱۰	۱/۹
جمعاً		۲۰	۵۲۴	۱۰۰

مأخذ: احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران (تهران: انتشارات زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۹۸.

مشخصات کارخانه ها و کارگاههای کشورهای خارجی در ایران، در این دوران بدین صورت بوده است:

نام کارخانه یا کارگاه	محل کارگاه	تعداد	تابعیت	تعداد کارگران	درصد کارگران
کارخانه قند	کهریزک	۱	بلژیکی	۳۰۰	۲۶
کارخانه قالببافی	تبریز	۱	آلمانی	۱۰۰	۸/۷
کارخانه کبریت سازی	تهران	۱	روسی	۵۰	۴/۳
تاسیسات نفتی	انزلی - آستارا	۵	روسی	۱۷۰	۱۴/۷
کارگاههای پنبه پاک کنی	مازندران - خراسان	۱۷	روسی	۲۷۲	۲۳/۶
کارگاههای ساختمانی	آذربایجان	۱	روسی	۳۰	۲/۶
ابریشم تابی	برکان	۱	روسی	۲۰	۱/۷

۱ - احمد اشرف، پیشین، ص. ص ۹۷ و ۹۸.

۱/۷	۲۰	آلمانی	۱	تبریز	کارگاه مونتاز
۲/۶	۳۰	روسی	۲	انزلی	کارخانه برق
۱/۷	۲۰	آلمانی	۱	ارومیه	آجریزی
۱/۷	۲۰	روسی	۱	روندبار	روغن گیری
۱/۷	۲۰	روسی	۱	مشهد	کارخانه تنباکو
۱/۳	۱۵	روسی	۱	ارومیه	الکل سازی
۰/۸	۱۰	روسی	۱	انزلی	یخ سازی خوشتاریا
۱/۷	۲۰	روسی - آلمانی	۲	قزوین - ارومیه	کارخانه آسیاب بخاری
۳/۵	۴۰	روسی - آلمانی	۳	گیلان - ارومیه	کارخانه چوب بری
۱/۳	۱۵	آلمانی	۱	اصفهان	فشنگ سازی
۱۰۰	۱۱۵۲		۴۱		جمع

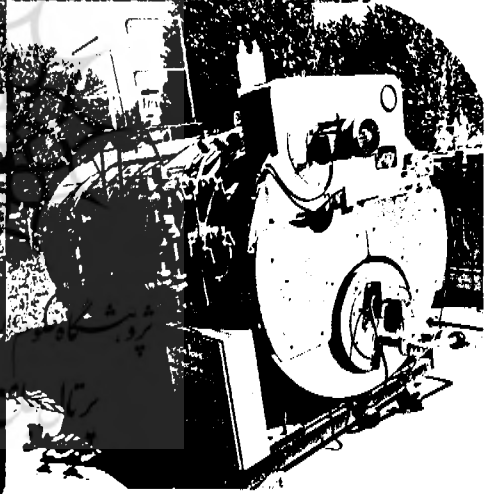
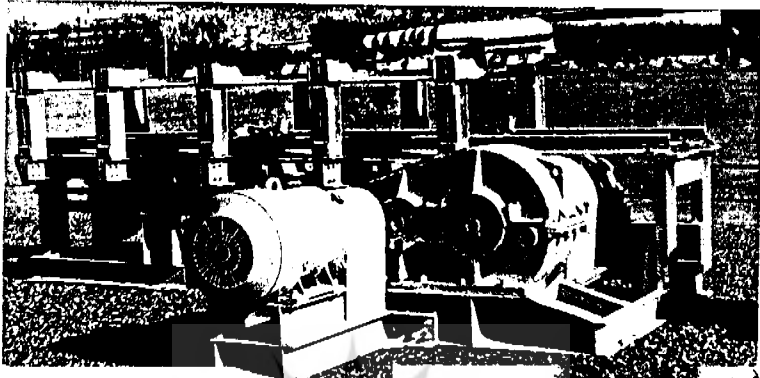
مأخذ: احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران (تهران: انتشارات زمینه، ۱۳۵۹)، ص ۹۹.

وجود اوزان و مقیاسهای متری گوناگون و منطقه ای، و سرانجام تأثیر شدید اقتصاد امپریالیستی بر اقتصاد ایران و ایجاد قشر بندی جدید در بطن طبقات اجتماعی کشور.^۱

بدینصورت تجار و بازرگانان داخلی و صنعتگران و سرمایه گذاران نه تنها از حمایت حکام قاجار برخوردار نبودند، بلکه از طریق افزایش عوارض، سدهای گوناگون گمرکی و گشایش دروازه های کشور به سوی کالاهای خارجی، دایره فعالیت این طبقه را تنگتر می نمودند. علاوه بر این شلاق زدن ها و شکنجه نیز تحت بهانه های مختلف وجود داشت. در چنین شرایطی موجی از مخالفت های سیاسی

باتوجه به تعداد کارخانه هایی که طی این مرحله توسط بخش خصوصی احداث شده است، مشخص است که «اندیشه بکارانداختن سرمایه در امور صنعتی وجود داشته است، اما در این مسیر سدهای فراوانی وجود داشت که مانع از آن می شد تا رکود سرمایه از بین برود، روند تدریجی انباشت سرمایه صورت پذیرد و با صورت پذیری این امر، بازار داخلی بوجود آید. این سدها عبارت بودند از فقدان امنیت، افزایش عوارض، سدهای گوناگون گمرکی، وجود بانک های امپریالیستی در داخل کشور، کمبود راه های مناسب تجاری، وجود سکه ها و واحدهای پولی گوناگون و منطقه ای،

۱- محمد رضا فاشاهی، پیشین، ص. ص ۲۳۰-۲۳۱.



اندیشه بکار انداختن سرمایه در امور صنعتی وجود داشته است، اما در این مسیر سدهای فراوانی وجود داشت که مانع از آن می‌شد تا رکود سرمایه از بین برود، روند تدریجی انباشت سرمایه صورت پذیرد و با صورت‌پذیری این امر، بازار داخلی بوجود آید.

سرمایه‌های خارجی و لذا تبدیل به کارگزاران اقتصادی آنان در داخل شدند که تثبیت عوامل بازدارنده رشد این طبقه در گذشته، نظیر شیوه‌ها و عادات قدیم، دخالت بیگانگان، رشد کینه‌های طایفه‌ای و قومی سازمان‌یافته، انفعال و سرخوردگی مردم، استبداد و شکنجه از جمله دلایل آن بود.

مردمی بر علیه حاکمیت بوجود آمد. حاکمان نظام که فاقد برنامه مناسبی جهت حل بحرانهای اقتصادی و اجتماعی که منشاء بروز تنشهای سیاسی می‌باشد، بودند به سرکوب و اختناق هرچه بیشتر متوسل شدند که در نهایت منجر به بروز انقلاب مشروطه گردید.

اگرچه انقلاب مشروطه در مقایسه با انقلاب‌هایی نظیر انقلاب انگلیس (در نیمه اول قرن ۱۷) و انقلاب فرانسه (در اواخر قرن ۱۸) که بساط فئودالیسم را درهم پیچید و بدین سان زمینه‌های رشد بورژوازی را فراهم نمود، به لحاظ تاریخی دیر بود، با اینحال در صورت پیروزی کامل، یقیناً شرایط مساعد نظیر گسترش قلمرو بازار، انباشت سرمایه و حمایت‌های قانونی و حقوقی برای سرمایه‌های ملی بوجود می‌آمد که با رشد و تکامل بیشتر این سرمایه‌ها ناهمواریهای جاده رشد و توسعه هموار و پویای صنعتی شدن کشور با اتکاء به توانمندیها و قابلیت‌های داخلی میسر می‌گشت. متأسفانه انقلاب مشروطه به شکست انجامید، و بدین شکل صنعتگران، تاجران و بازرگانان کشور که تا آن تاریخ منافع فردی و ملی را توأم با یکدیگر در نظر داشتند، از آن به بعد ناگزیر به ادغام در

مرحله سوم، ایجاد صنایع کارخانه‌ای توسط دولت (۱۳۲۰-۱۲۹۹)

سرانجام آفتاب عمر حکومت قاجاریه توسط کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ غروب کرد. رضاخان که رهبری این کودتا را برعهده داشت در سال ۱۳۰۲ نخست‌وزیر و در سال ۱۳۰۴ رسماً به عنوان پادشاه ایران تاجگذاری نمود و بدین شکل سلسله پهلوی را بنیانگذاری کرد. وجود ارتش قوی و نیرومند که از جانب انگلستان نیز حمایت میشد، شالوده‌های حکومت مقتدر مرکزی را بوجود آورد. از سوی دیگر درآمدهای ارزی حاصل از فروش امتیاز نفت، امکان سرمایه‌گذاری وسیع در امور صنعتی به دولت را داد، تا آنجا که صنایع مهم این دوران عمدتاً در مالکیت دولت و دربار بود. بدین شکل «توسعه صنعتی ایران از سال ۱۳۰۸ به

بعد وارد مرحله تازه‌ای شد، بویژه بین سالهای ۱۷-۱۳۱۱ این توسعه سرعت بیشتری پیدا کرد. در این دوره هفت ساله ۶۳ کارخانه جدید در تهران و شهرستانها بوجود آمد، و بیش از ۳۰ هزار کارگر که حدود سه چهارم کل کارگران صنایع ایران را در سال ۱۳۲۶ تشکیل میدادند به کارگران صنعتی افزوده شد. میزان سرمایه پرداخت شده ۶۰ کارخانه در این مدت به ۲۰۰۰ میلیون ریال (که بخش عمده سرمایه‌های صنعتی را تشکیل میداد) رسید، و میزان نیروی ۵۸ کارخانه حدود ۴۰ هزار اسب بخار گردید. گرچه در این مرحله اشتباهات زیادی در تعیین محل و روشهای بهره‌برداری کارخانه‌ها صورت گرفت، ولی این دوره را

می‌توان دوره پایه‌گذاری صنایع ایران دانست.^۱

به هر حال صناعی که در این دوران (۱۳۲۰-۱۲۹۹) احداث شد، عمدتاً شامل صنایع سبک مانند نساجی، مواد غذایی، چرمسازی و مصالح ساختمانی بود که دولت نقش پیشاهنگ را در ایجاد این صنایع داشت. پس ساخت صنعت از دیدگاه نوع صنایع تفاوتی با سابق نداشت، منتها از نظر مالکیت تغییر یافته و دولت نقش غالب را در آن داشت. اگرچه تلاشهایی جهت احداث یک کارخانه ذوب آهن توسط آلمان به عمل آمد، اما چنین امری میسر نگردید و کماکان صنایع دستی و مصرفی، ساخت صنعت کشور را تشکیل می‌داد.

صنایع مهم احداث شده در این مرحله عبارت بودند از:

کارخانه آردسازی (که از سال ۱۹۲۹ شروع به کارکرد)	۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۰ م
کارخانه بافندگی نخ ویشم (که ناقبل از جنگ جهانی تعداد آنها به ۴۰ واحد بالغ گردید)	۱۹۲۵ / ۱۳۰۴
کارخانه کبریت سازی	۱۹۲۵ / ۱۳۰۴
کارخانه حریربافی چالوس	۱۹۲۷ / ۱۳۰۶
کارخانه مشروبات الکلی	۱۹۲۹ / ۱۳۰۸
راه‌اندازی کارخانه‌فندکه در سال ۱۸۹۶ خریداری شده بود	۱۹۳۱ / ۱۳۱۰
دومین کارخانه قنددر کرج (تعداد این واحدها تا سال ۱۳۱۷، ۸ واحد بود)	۱۹۳۲ / ۱۳۱۱
صنایع دباغی چرم	۱۹۳۲ / ۱۳۱۱
واکس سازی	۱۹۳۳ / ۱۳۱۲

۱- محمدرضا سوداگر، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی ۱۳۴۰-۱۳۰۴) (تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند). ص. ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

احداث كارخانجات قندوسيمان	۱۹۳۳/۱۳۱۲
كارخانه سيمان	۱۹۳۴/۱۳۱۳
كارخانجات دخانيات	۱۹۳۷/۱۳۱۶
كارخانه شيشه‌سازي	۱۹۳۹/۱۳۱۸
كارخانه ذوب و تصفيه‌س	۱۹۳۹/۱۳۱۸
كارخانه ماسك‌سازي	۱۹۴۰/۱۳۱۹
كارخانه صابون‌سازي	۱۹۴۰/۱۳۱۹

مأخذ: کمیته برنامه‌ریزی صنعت استان اصفهان، الگوی مصرف و ساخت اقتصادی، (اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۶۶)، ص ص ۶۵ و ۶۶.

سالهای ۳۲-۱۳۲۹ از مقاطع بسیار درخشان تاریخ اقتصادی کشور می‌باشد که در برتوسیاستهای بخردانه دولتمردان وقت حاصل شد. در این دوران که درآمدهای ارزی قطع شده بود، صادرات کالاهای ساخته شده نقش اصلی را در تأمین ارز داشت که نه تنها کسری تراز پرداختها را از بین برد، بلکه تراز تجاری ایران دارای مازاد نیز گردید.

که سنگ‌پی‌های مستحکم صنعت را تشکیل می‌دهد اقدامی صورت گیرد، درآمدهای ارزی عمدتاً صرف امور رفاهی و ایجاد صنایع مصرفی و تأسیس شبکه تلفنی و... گردید، لذا زمینه برای ورود محصولات صنایع بازسازی شده کشورهای پیشرفته فراهم شد. در سال ۱۳۲۷ اولین برنامه عمران کشور با اعتباری معادل ۲۱ میلیارد ریال که ۱۴/۳ درصد آن به صنایع و معادن اختصاص داشت شروع شد. منتها طی سالهای ۳۲-۱۳۲۹ بدلیل مسئله ملی شدن صنعت نفت که منجر به کاهش درآمد ارزی و قطع کمک بانک جهانی گردید، تمام

مرحله سوم، ایجاد صنایع سبک توسط دولت و بخش خصوصی (۱۳۴۱-۱۳۲۰) در سوم شهریور ۱۳۲۰، رضاشاه از پادشاهی خلع و پسرش جانشین وی شد. در همین هنگام نیروهای متفقین کشور را اشغال کردند، لذا بدلیل حضور نیروهای بیگانه (روسیه و انگلیس) اوضاع اقتصادی کشور متشنج و مختل گردیده بود. پس از پایان جنگ، در حالیکه کشورهای اروپایی در راستای ایجاد بنیانها و شالوده‌های مستحکم صنعت ویران شده خود گام بر می‌داشتند، در ایران بجای آنکه در این رهگذر از طریق ایجاد صنایع مادر و اساسی

اعتبار جذب نگردید، به نحوی که تا سال ۱۳۳۲ فقط ۵/۳ میلیارد ریال که ۱/۳ میلیارد ریال آن به بخش صنعت و معدن اختصاص داشت، هزینه شد. سالهای ۳۲-۱۳۲۹ از مقاطع بسیار درخشان تاریخ اقتصادی کشور می باشد که در پرتو سیاستهای بخردانه دولت مردان وقت حاصل شد. در این دوران که درآمدهای ارزی قطع شده بود، صادرات کالاهای ساخته شده نقش اصلی را در تأمین ارز داشت که نه تنها کسری تراز پرداختها را از بین برد، بلکه تراز تجاری ایران دارای مازاد نیز گردید.

در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ حکومت دکتر مصدق توسط عوامل استعمار سرنگون گردید، تحریم خرید نفت توسط غرب پایان یافت و در شهریور ماه ۱۳۳۲ قرارداد کنسرسیوم منعقد گردید که با فروش امتیاز نفت و حصول ارز، تدوین دومین برنامه عمرانی در سال ۱۳۳۴ شروع شد. اعتبار این برنامه معادل ۹۱۹۰/۸ میلیون ریال بود که تا سال ۱۳۴۱ (پایان برنامه) ۸۸۲۳/۲ میلیون ریال از آن هزینه شد. از کل اعتبارات بخش صنعت ۷۷/۴ درصد به صنایع نساجی، قند و سیان و ۵/۹ درصد به مطالعات ذوب آهن اختصاص داشت. یعنی، در این برنامه نیز صنایع از نوع سبک و تولید کننده کالاهای مصرفی جهت تأمین نیازهای داخلی بود، که به تدریج مونتاز تأسیس می شد. طی این برنامه، تسهیلات و برنامه‌هایی جهت

حمایت و جلب بخش خصوصی در امور صنعتی اتخاذ گردید که یک نمونه از آن تأسیس بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران با مشارکت سرمایه گذاران داخلی و خارجی است. لذا، سرمایه گذارهای بخش خصوصی از ۱۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۶ به ۳۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۸ افزایش یافت. همزمان با این تحولات قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی نیز تصویب شده بود.^۱

به هر حال در این دوره صرف نظر از حجم سرمایه گذارهای صورت گرفته در بخش صنعت، ساخت آن تغییر نکرد و همانند دوره قبل صنایع سبک و مصرفی، جهت رفع نیاز داخلی احداث گردید که به عنوان حلقه‌هایی از فرایند تولید اصلی موجود در خارج از کشور عمل می نمودند. بنابراین واردات کالاهای سرمایه‌ای چندین برابر شد، به عنوان مثال فقط طی سالهای ۳۸-۱۳۳۶، به ۶ برابر افزایش یافت.

مرحله چهارم، تغییر ساخت نظام اقتصادی و اجتماعی و ایجاد صنایع سنگین (۱۳۵۷-۱۳۴۱)

در این مرحله که برنامه‌های عمرانی سوم (۴۶-۱۳۴۱)، چهارم (۵۱-۱۳۴۶) و پنجم (۵۶-۱۳۵۱) را دربر می‌گیرد، دو تحول مهم و عمده همزمان با اجرای برنامه سوم و در قالب آن صورت گرفت که نه تنها

۱- کمیته برنامه ریزی صنعت استان اصفهان، پیشین، ص ۷۷.

به هر حال صنایعی که در دوره (۱۳۲۰-۱۲۹۹) احداث شد، عمدتاً شامل صنایع سبک مانند صنایع نساجی، مواد غذایی، چرمسازی و مصالح ساختمانی بود که دولت نقش پیشاهنگ را در ایجاد این صنایع داشت.

آن به بعد، صنایع دستی، سبک و سنگین ساخت صنعت را تشکیل می‌دادند. اگرچه ایجاد صنایع سنگین تحول مهمی به حساب می‌آید، اما این دگرگونی بدلیل بومی و داخلی نبودن تکنولوژی این صنایع و یا عدم انتقال صحیح آن و عدم توجه به آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص به موازات گسترش این صنایع، همچنان وابستگی در عرصه صنعت را حفظ نمود.

به هر حال این تحولات از سال ۱۳۴۱ که آغاز برنامه عمرانی سوم است، شروع شد. اعتبار این برنامه در ابتدا ۱۴۰ میلیارد ریال بود که بعداً به ۲۳۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کرد. از این مقدار ۱۲ درصد به بخش صنعت تعلق داشت که عملاً ۸ درصد آن در امور زیربنایی توسعه صنعتی و ایجاد صنایع هزینه گردید. استراتژی توسعه جانشین سازی واردات عملاً از این برنامه شروع گردید. «جایگزینی واردات از طریق تولید کالاهای مصرفی با دوام به طور عمده برعهده بخش «خصوصی» نهاده شد، که از کمک های مالی فراوان و حمایت غیرمستقیم دولت برخوردار بود. این بخش یک بخش خصوصی نبود و کسانی که از ثمره های آن بهره می بردند سرمایه داران صنعتی نبودند. اینان که

ساختار صنعت را تغییر داد، بلکه ساختار اجتماع و کل نظام اقتصادی حاکم بر جامعه را نیز دگرگون کرد. این دو تحول عبارت بود از: اصلاحات ارضی و ایجاد صنایع سنگین. همانگونه که ذکر شد، تا اواخر حکومت قاجار، روابط و مناسبات حاکم بر فعالیتهای اقتصادی و تولیدی تحت تأثیر نظام ارباب ورعی قرار داشت، اما با روی کار آمدن رضاخان تغییری در بافت اجتماعی و سیاسی کشور بوجود آمد و با گسترش شهرها و ایجاد نهادهای دولتی مختلف، روابط و مناسبات سرمایه داری شروع به رشد بیشتری نمود، ولی تا سال ۱۳۴۱ طبقه سرمایه دار وجه مغلوب را در برابر اربابان و نمایندگان سیاسی آنها در نظام تولید و روابط اجتماعی و سیاسی داشت. در سال ۱۳۴۱ با حمایت آمریکا مرحله اول اصلاحات ارضی شروع شد و بدینصورت ساخت اجتماعی، سیاسی جامعه تغییر پیدا نمود.

تحول دوم در این مرحله، مربوط به ایجاد صنایع سنگین نظیر ذوب آهن است. با سرمایه گذاری در این رشته از صنایع، ساخت صنعت از دیدگاه نوع صنایع تغییر یافت. درحالیکه تا این تاریخ صنایع دستی و سبک بدنه بخش صنعت را تشکیل داده بودند. از

نمونه‌شان برادران خیامی بودند، اغلب با سرمایه شخصی نسبتاً اندک، کمابیش درحد کارگزاران دولت عمل می‌کردند، افرادی که قدرت یافته بودند سرمایه عمومی و سایر امکانات را برای عرضه اتومبیل‌های مونتاژشده و غیره بکار گیرند تا پیشرفت اقتصادی ایران را به نمایش گذارند و به این ترتیب طبقه درحال رشد وابستگان دولت را خوشحال نگاه دارند، درعوض سود سرشاری نصیبشان می‌شد، سودی که درواقع بخش اعظم آن را بدون استفاده از سرمایه خود و یا حتی شرکت در امر مدیریت واحدهای مربوطه بدست آورده بودند!»

برنامه عمرانی چهارم که در سال ۱۳۴۷ شروع شد، اهداف برنامه سوم را با جدیت بیشتری و با توجه بیشتری به بخش صنعت آغاز نمود. اعتبار این برنامه ۴۸۰ میلیارد ریال بود که در خرداد ۱۳۵۰ به ۵۶۸ میلیارد ریال افزایش یافت، سهم صنعت و معدن در این برنامه ابتدا ۲۱ درصد بود که پس از تجدیدنظر سهم صنایع ۱۳/۹ درصد افزایش یافت. در این برنامه صنایع مهم و استراتژیک نظیر ماشین‌سازی تبریز و اراک و پتروشیمی اهواز تأسیس شد.

در سال ۱۳۵۲ برنامه عمرانی پنجم آغاز شد. افزایش سریع قیمت نفت در سال ۱۹۷۳-۱۹۷۴ انگیزه توسعه صنعتی ایران و رسانیدن آن به سطح کشورهای پیشرفته را

قوت بیشتری بخشید! به همین جهت موجی از سرمایه‌گذارها در صنایع سبک و سنگین به منظور ایجاد مزیت نسبی در تولید و صدور کالاهای صنعتی در سطح بین‌المللی صورت گرفت. طی این برنامه تلاشهایی جهت ایجاد و توسعه صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای، تاکید بر ایجاد صنایع ذوب فلزات، احداث صنایع اقماری، جنبی و تکمیلی در قالب صنایع کوچک انجام شد. همچنین در این برنامه به دلیل حمایت دولت از بخش خصوصی و سرمایه‌های خارجی، ۲/۵ میلیارد دلار سرمایه بلندمدت خارجی به ایران وارد شد. در هر حال در این برنامه ساخت صنایع ایجاد شده نظیر صنایع ایجاد شده طی برنامه‌های سوم و چهارم بود، یعنی صنایع تولیدکننده کالاهای مصرفی بی‌دوام و بادوام نظیر یخچال، تلویزیون و صنایع سنگین و صنایع ظرفیت بخش صنعت را تشکیل می‌داد.

بطور خلاصه می‌توان گفت که در این مرحله (۵۷-۱۳۴۱) «اولویتهای اصلی دولت عبارت بودند از: سرمایه‌گذاری در برخی از صنایع سنگین نظیر فولاد و ماشین‌ابزار و تشویق تولید کالاهای مصرفی بادوام وارداتی نظیر اتومبیل و وسایل خانگی. در مراحل بعدی کوشش‌های چندی در راه ایجاد صنعت پتروشیمی و حمایت از صناعات و هنرهای سنتی - و نه صنایع سنتی - بعمل آمد. البته هیچ برنامه قابل

۱- محمدعلی (همایون) کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران جلد اول، (تهران: انتشارات پاپیروس، ۱۳۶۶)، ص ۱۹۱.

در حالیکه در سال ۱۳۴۸، سهم صنایع کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای به ترتیب برابر ۷۴/۴، ۱۶/۲ و ۸/۴ درصد بود، در سال ۱۳۵۳ به ۶۳/۴، ۲۲/۷، ۱۳/۴ درصد تغییر پیدا کرد که مبین افزایش سهم صنایع سنگین و مادر در بخش صنعت می‌باشد.

ذکری وجود نداشت؛ اینها نتیجه هوس‌ها و آرزوهای شبه مدرنیستی ناگهانی‌ای بود که هماهنگ با افزایش ناگهانی عواید نفت، هویدا و روی هم تلتبار می‌شد.»^۱

بنابراین به دلایلی چون وابستگی سیاسی، فقدان بخش خصوصی مبتکر و خلاق، ضعف فرهنگ و آموزش پیشرفته، کمبود نیروی انسانی متخصص و فقدان الگوی توسعه صحیح در نیل به اهداف، موفقیت‌های چشمگیری حاصل نگردید. به هرحال طی این مرحله ترکیب صنایع تغییر یافت و در حالیکه در سال ۱۳۴۸ سهم صنایع کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای به ترتیب برابر ۷۴/۴، ۱۶/۲ و ۸/۴ درصد بود، در سال ۱۳۵۳ به ۶۳/۴، ۲۲/۷ و ۱۳/۴ درصد تغییر پیدا کرد، که مبین افزایش سهم صنایع سنگین و مادر در بخش صنعت می‌باشد. (جدول شماره ۱)

مرحله پنجم، تغییر ساختار مالکیت صنایع (۱۳۶۶-۱۳۵۷)

انقلاب اسلامی ایران، با اهدافی چون استقلال اقتصادی و توسعه صنعتی بساط

حکومت شاهنشاهی را درهم پیچید و به لحاظ سیاسی نظم نوینی را بوجود آورد. بدین شکل یکی از موانع توسعه واقعی یعنی وابستگی سیاسی از بین رفت. اما صرف نظر از تحولاتی که در ساختار مالکیت صنایع بوجود آمد، تغییر دیگری که ساخت و بافت صنعت را در جهت زدودن وابستگی آن بخارج صورت گیرد، به عمل نیامده است که دلیل آن را می‌توان در فقدان برنامه و سیاست‌های منسجم در قالب یک استراتژی توسعه صحیح دانست، گویا اینکه عواملی چون انقلاب و جنگ تحمیلی در تضعیف بنیانهای صنعتی کشور نقش داشت، ولی همین عوامل پتانسیلهایی را رها کرد که در صورت وجود سیاست‌های صحیح قابل بکارگیری بودند. به هرحال در دوران پس از انقلاب با کمال تأسف باید اذعان نمود که نه تنها ساختار و بافت اقتصاد و بخش صنعت دگرگون نشده، بلکه حتی چرخ تولید و صنعت از حرکت باز ایستاده که امروز تمام تلاش مسئولین و برنامه‌ریزان در جهت به حرکت درآوردن خط تولید متوقف شده می‌باشد. تحولات صنعتی پس از انقلاب با

۱- محمدعلی (همایون) کاتوزیان، پیشین، جلد دوم، ص ۱۸۵.

استناد به آمار و ارقام در قسمت بعد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

ساختار صنعت و تحولات آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی

جهت بررسی بافت و ساخت صنعت چند روش مختلف وجود دارد که در واقع مکمل یکدیگر هستند. در یک روش، ماهیت صنایع مبنای تحلیل قرار می‌گیرد، براساس این روش، صنعت به صنایع سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی تفکیک و اهمیت هر کدام از آنها در بخش صنعت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بر اساس آمار و ارقام کتاب قانون برنامه اول جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸) طی سالهای ۶۷-۱۳۶۲ سهم متوسط سالیانه کارگاههای بزرگ صنایع سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی در کل ارزش افزوده بخش صنعت به ترتیب برابر با $6/1$ و $50/1$ و $38/8$ درصد می‌باشد، گو اینکه بسیاری از این کارگاههای بزرگ صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای بدلایلی چون فروش محصولا نشان به قیمت‌های تثبیت شده از سودآوری کمتری برخوردار بوده و یا حتی زیان ده بوده اند، ولیکن حتی با تعدیل معیارهای سنجش ارزش افزوده سهم این صنایع باز بسیار پائین خواهد بود. با توجه به این آمار، بوضوح به ساخت نامناسب بخش صنعت می‌توان پی برد. پائین بودن سهم صنایع سرمایه‌ای که صنایع مادر و استراتژیک صنعت و اقتصاد را

شامل می‌شود، به معنای فقدان شالوده‌ها و بنیانهای اساسی صنعت است. در چنین شرایطی صنایع مصرفی و واسطه‌ای نه تنها زائیده صنایع سرمایه‌ای نبوده، بلکه پیوند و ارتباط ارگانیکی پس از چندین سال (بدلیل عدم انتقال صحیح تکنولوژی) نداشته و لاجرم برای استمرار خط تولیدشان نیازمند بخارج هستند. سهم صنایع واسطه‌ای در ظاهر امر بیانگر وضع مناسبی می‌باشد، اما باید توجه داشت سهم سه رشته صنعتی اساسی و مهم این بخش، یعنی صنایع فلزات اساسی آهنی، فلزات اساسی غیر آهنی و مواد شیمیایی اساسی صنعتی در کل صنایع واسطه‌ای که فی الواقع حلقه‌های اتصال در قسمتهای مختلف فرآیند تولید می‌باشند بسیار ناچیز است. هنگامی که آمار فوق با آمار کشورهای پیشرفته مقایسه گردد، به ضعف بافت صنعت در کشور پی برده و می‌شود. براساس آمار یونیدو در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری سهم صنایع سنگین و سبک در تولید صنعتی در سال ۱۹۸۰ به ترتیب برابر $67/7$ و $32/3$ درصد و در کشورهای سوسیالیستی برابر 67 و 33 درصد بوده است.

گو اینکه فرآیند رشد و توسعه صنعتی در کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی بطور کامل با یکدیگر تفاوت داشته ولی به هدف مشابهی که استقرار صنایع اساسی و سرمایه‌ای با اتکاء به توانمندیها و قابلیت‌های داخلی باشد نائل شده‌اند که نه تنها نیازهای خویش را برآورده می‌سازد، بلکه با تأمین

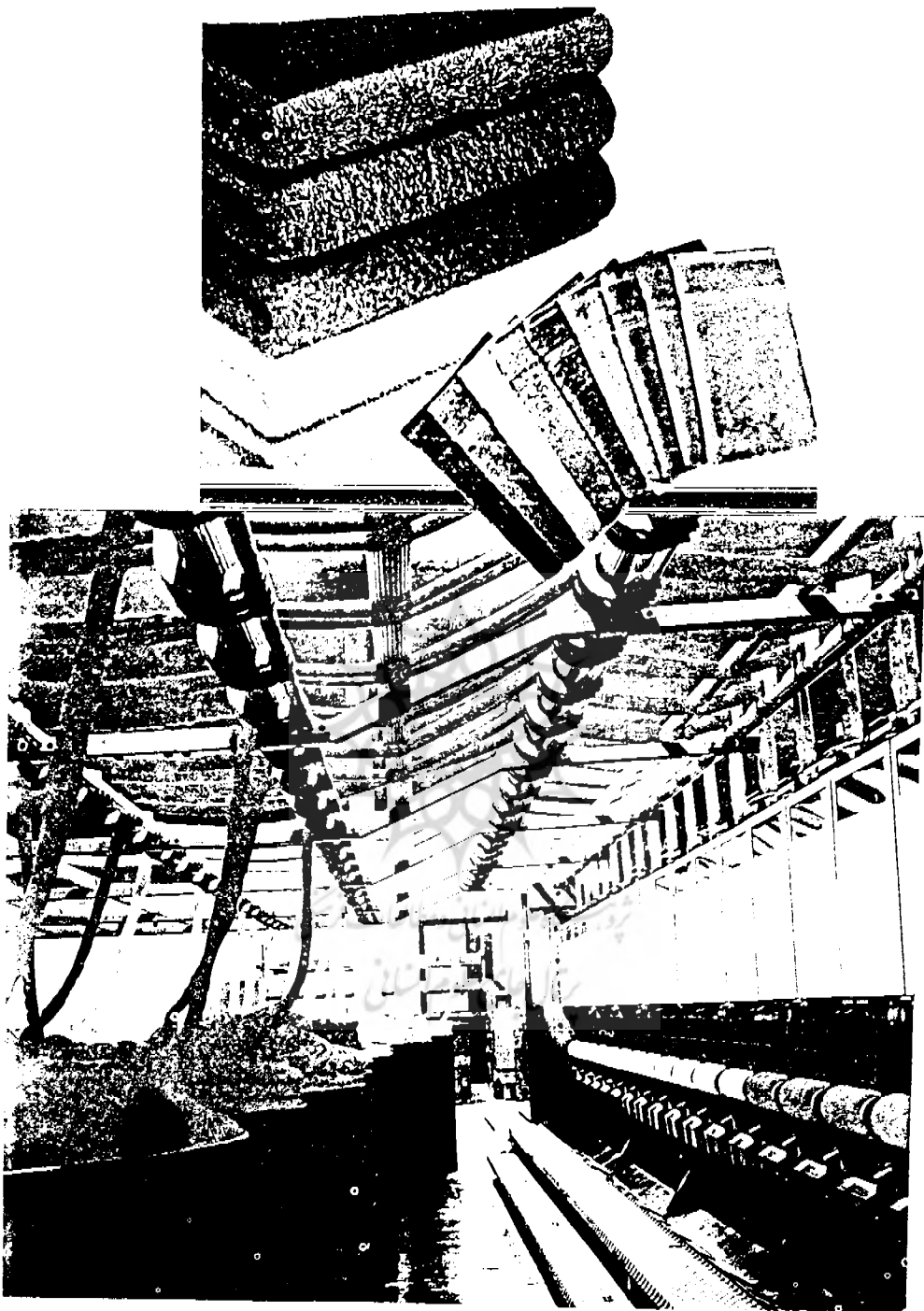
پائین بودن سهم صنایع سرمایه‌ای که صنایع مادر و استراتژیک صنعت و اقتصاد را شامل می‌شود به معنای فقدان شالوده‌ها و بنیادهای اساسی صنعت است. در چنین شرایطی صنایع مصرفی و واسطه‌ای نه تنها زائیده صنایع سرمایه‌ای نبوده، بلکه پیوند و ارتباط ارگانیکی پس از چندین سال (بدلیل عدم انتقال صحیح تکنولوژی) نداشته و لاجرم برای استمرار خط تولیدشان نیازمند به خارج هستند.

درحالی‌که درصد قابل توجهی از واردات را تشکیل می‌دهد، درصد بسیار ناچیزی از صادرات غیرنفتی و قابل صرف نظر از صادرات کل کشور را تشکیل می‌دهد و برعکس آن کالاهای مصرفی درصد قابل توجهی از صادرات کل کشور را تشکیل می‌دهد که در عصر حاضر شاخصی برای بالندگی صنعت یک کشور محسوب نمی‌گردد.

در روش دوم بررسی ساخت صنعت، مقیاس کمیت و معیار تعداد کارکنان آنها مبنایی جهت بررسی و تحلیل می‌باشد. در این روش صنایع به دو بخش بزرگ و کوچک تفکیک می‌شوند. صنایع بزرگ طبق معیارهای یونیدو، صنایعی هستند که بیش از ۱۰ نفر شاغل دارند، حال آنکه براساس معیارهای دیگر صنایعی که بیش از ۵۰ نفر شاغل دارند بزرگ می‌باشند. در ایران، مرکز آمار از قاعده اول (در این مقاله از آمار و ارقام منتشره از مرکز آمار ایران استفاده شده است) و بانک مرکزی از روش دوم پیروی می‌کنند. بالطبع صنایع کوچک براساس تعاریفی که از صنایع بزرگ

نیازهای سایر صنایع، رشد و رونق بیشتری را به همراه می‌آورد. به عبارت دیگر در جدول داده‌ها و ستانده‌های بخش صنعت، در حالیکه در کشورهای پیشرفته، ضرائب حتی بسیار بالا می‌باشد، در کشور ما بسیار پائین است که مبین فقدان ارتباط تنگاتنگ بین صنایع با یکدیگر می‌باشد.

ترکیب وارداتی و صادراتی کالاهای صنعتی براساس ارقام بانک مرکزی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۷ از کل واردات، ۵۹/۱، ۲۲/۸ و ۱۸/۱ درصد به ترتیب به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای مصرفی بخش صنعت و معدن تعلق داشته است. در همین سال سهم کالاهای فوق‌الذکر در صادرات غیر نفتی به ترتیب برابر ۳۷/۵، ۰/۶ و ۶۱/۹ درصد بوده است. باید توجه کرد که سهم کالاهای شیمیائی، فلزات (فرآورده‌های صنایع واسطه‌ای) ارقام ناچیز (به ترتیب ۵/۴ و ۱/۷ درصد از ۳۷/۵ درصد را بخود اختصاص داده‌اند. این آمار و ارقام باز حکایت از نامناسب بودن بافت صنعت را می‌کنند، بدینصورت که صنایع سرمایه‌ای



می‌شود، مشخص می‌گردد. صنایع کوچک خود به دو بخش شهری و روستایی تقسیم می‌شود که ذیلاً به سهم و اهمیت هر کدام در کل بخش صنعت پرداخته می‌شود.

نیاز داشته‌اند، بدین صورت که ۹۳ درصد مواد اولیه این کارگاهها را دامداری سنتی تأمین می‌کرده است.^۱

صنایع کوچک شهری:

«این صنایع که دربرگیرنده صنایعی نظیر نانوبی، نجاری، آهنگری، کفاشی و... است، در سال ۱۳۵۵، ۱۶۳/۸ هزار واحد به ۳۱۵ هزار نفر شاغل بوده که ۱۰۳/۴ هزار نفر از آنان مزدبگیر بوده‌اند. ارزش افزوده این صنایع حدود ۷۴/۳۷ میلیارد ریال بوده که به‌طور متوسط سالیانه ۴۵۰ هزار ریال یا ۳۳ برابر ارزش افزوده کارگاههای کوچک روستایی بوده است. ۷۲ درصد از این کارگاهها را صنایع نساجی با ۳۵ درصد از کل ارزش افزوده کل صنایع شهری تشکیل داده است. صنایع مواد غذایی، صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی به ترتیب ۳۰، ۸ و ۱۴ درصد از کل ارزش افزوده را تشکیل داده بودند. در این سال ۹۲/۹ درصد از کل کارگاهها تحت مدیریت بخش خصوصی و ۶/۱ درصد تحت مدیریت بخش عمومی بوده است.»

صنایع بزرگ:

در سال ۱۳۶۵ کل کارکنان صنایع بزرگ ۵۵۹ هزار نفر بوده که، ۳۸/۵ درصد از کل شاغلین ۱۰ ساله و بیشتر را دربر

صنایع کوچک روستایی:

این صنایع که حوزه فعالیتشان روستاهای سرتاسر کشور می‌باشد در سال ۱۳۵۳ بیش از ۱/۲ میلیون کارگاه با حدود ۱ میلیون نفر شاغل داشته که حدود ۹۰۰۰۰ نفر از کل شاغلین، مزدبگیر بوده و بطور متوسط ۴۴۰۰ ریال در ماه حقوق داشته‌اند. ارزش افزوده کل صنایع و متوسط هر کارگاه به ترتیب برابر ۱۶/۷ میلیارد ریال و ۱۳۷۵۰ ریال بوده است. کارگاهها برحسب اینکه خانگی، مشهود (دارای فعالیت منظم) و غیرمشهود (فاقد تابلو) باشند به ترتیب ۹۲، ۲ و ۶ درصد از کل کارگاهها را شامل شده‌اند که هر کدام از آنها به ترتیب ۸۲، ۱۴ و ۴ درصد از نیروی کار را بخود اختصاص داده‌اند. ۸۵ درصد از کل نیروی کار با توجه به عمده بودن سهم صنایع خانگی از زنان تشکیل داده‌اند. ۸۱ درصد از کل کارگاهها را صنایع نساجی که صنعت قالیبافی در رأس آن قرار داشته و ۱۲ درصد را صنایع غذایی تشکیل می‌دهد است. با توجه به بافت و ماهیت، این صنایع ارتباط و پیوند نزدیکی با دامداری سنتی جهت تأمین مواد اولیه مورد

(۱): مرکز آمار ایران، آمار کارگاههای کوچک صنعتی روستائی سال ۱۳۵۳ (تهران: مرکز آمار ایران).

تعداد صنایع بزرگ براساس آمارگیری سال ۱۳۶۵ مرکز آمار ایران برابر ۶۱۲۷ واحد می باشد که به ۹ بخش مجزا برحسب ماهیت فعالیتشان تقسیم شده اند که عبارتند از:

تعداد	نام	تعداد	نام
۲۰	تولید محصولات متفرقه از نفت وزغال سنگ	۶۱۲۷	- کل صنایع
۳۶	تولید محصولات لاستیکی	۹۲۸	۱- صنایع مواد غذایی ، آشامیدنی ودخانیات :
۲۱۸	تولید محصولات پلاستیکی	۶۷۸	تولید مواد غذایی
	۶- صنایع محصولات کانی وغیرفلزی به جز		تولید محصولات غذایی که درجای دیگر
۲۲۲۳	فرآورده های نفت و ذغال سنگ	۲۱۹	طبقه بندی نشده است
۱۶	صنعت فرآورده های چینی و سفالی	۳۰	صنایع آشامیدنیها
۴۹	صنعت شیشه و محصولات شیشه ای	۱	تولید توتون و تنباکو
۲۱۶۸	صنعت سایر محصولات کانی غیرفلزی	۱۱۱۲	۲- صنایع نساجی ، پوشاک و چرم :
۶۴	۷- صنایع تولید فلزات اساسی :	۷۶۰	تولید منسوجات
۲۵	صنایع اساسی آهن و فولاد	۱۶۸	تولید پوشاک غیر از کفش
۳۹	صنایع اساسی فلزات غیر آهنی	۱۰۱	ساخت چرم و محصولات چرمی
	۸- صنایع ماشین آلات ، تجهیزات ، ابزار و	۸۲	تولید کفش غیر از کفشهای لاستیکی
۸۶۱	محصولات فلزی :	۱۸۴	۳- صنایع چوب و محصولات چوبی :
	صنعت محصولات فلزی فابریکی غیر از		ساخت چوب و محصولات چوب و چوب پنبه
۴۱۱	ماشین آلات	۱۱۴	غیر از میل
	صنعت ماشین آلات به جز ماشین آلات مولد	۷۰	ساخت میل و اتاتیه چوبی
۲۰۴	و انتقال برق و وسائل خانگی	۲۲۲	۴- صنایع کاغذ ، مقوا ، چاپ و صحافی :
	صنعت ماشین آلات و وسائل مولد و انتقال	۹۴	تولید کاغذ و محصولات کاغذی
۱۳۷	برق و وسائل خانگی	۱۳۰	چاپ و انتشار و صنایع وابسته به آن
۹۳	صنعت وسائل حمل و نقل	۴۹۲	۵- صنایع شیمیایی :
	صنعت وسایل حرفه ای و علمی اندازه گیری و		تولید مواد شیمیایی صنعتی
۱۶	کنترل	۵۷	تولید سایر محصولات شیمیایی
۲۸	۹- صنایع متفرقه	۱۵۶	تصفیخانه های نفت
		۶	

مأخذ: مرکز آمار ایران، آمار کارگاههای بزرگ صنعتی کشور، منتج از آمارگیری سال ۱۳۶۶). تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸.

می‌گیرد. در این سال، ارزش افزوده این صنایع معادل ۹۴۸/۱ میلیارد ریال بوده است. شاخصهای مربوط به این صنایع در بخش بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به آنچه که ذکر شد، این نتیجه حاصل می‌شود که صنایع بزرگ نقش عمده و مهمی را در بخش صنعت دارند. صنایع کوچک روستایی براساس اطلاعات اولیه آمارگیری مرکز آمار در سال ۶۶، از نظر تعداد و سهم شاغلین رو به کاهش بوده است که می‌تواند متأثر از مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها باشد.

از دیدگاه توسعه‌ای، باید دقت نمود که صنایع کوچک در توسعه اقتصادی روستاها و کلاً ایجاد اشتغال نقش به‌سزایی دارند. اهمیت این صنایع در اقتصاد کشورهای چین و هند بوضوح قابل مشاهده است. به هر حال بنظر می‌رسد «استراتژی کوچک زیباست»^۱ در روستاها و جهت ایجاد اشتغال می‌تواند مؤثر باشد.

روش سوم بررسی ساختار صنعت،

براساس نحوه مالکیت صنایع می‌باشد. طبق نتایج آمارگیری سال ۱۳۶۵ مرکز آمار ایران، از ۷۰۳۴ کارگاه فعال، ۹۲۷ کارگاه که ۱۴/۲ درصد آن می‌باشد، تحت مالکیت دولت و مابقی خارج از مالکیت دولت است که یا خصوصی می‌باشند یا مختلط. ارزش افزوده صنایع تحت مالکیت دولت ۷۰۵/۷ میلیارد ریال - که ۷۰/۹ درصد از کل ارزش افزوده بخش صنعت می‌باشد - بوده است. در این سال ۴۱۷ هزار نفر در کارگاههای تحت مدیریت دولت اشتغال داشته‌اند که ۷۰/۷ درصد از کل کارکنان را شامل می‌شوند. با توجه به این آمار و ارقام، این نتیجه حاصل می‌شود که بخش عمومی نقش عمده‌ای در صنایع بزرگ صنعتی که پیکره اصلی بخش صنعت می‌باشد را دارد و از دیدگاه مالکیت، بخش خصوصی در صنایع بزرگ نقش چندانی را برخلاف گذشته ندارد.

این ساخت که تا سال ۱۳۷۰ ادامه

داشته است، طی سالهای آینده با توجه به

۱- «استراتژی کوچک زیباست» توسط شوماخر، اقتصاددان آلمانی در ادبیات اقتصادی مطرح گردید. در این استراتژی بطور خلاصه بر این نکته تاکید می‌شود که مهمترین مسئله اقتصادی کشورهای جهان سوم بیکاری و افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها است، لذا برنامه‌ها و سیاستهای صنعتی می‌بایست در راستای کاهش بیکاری و بهبود وضع اکثریت مردم - روستائیان - باشد. با توجه به این هدف، وی معتقد است که اولاً، فرصتهای اشتغال باید در مناطق روستائی و شهرهای کوچک بوجود آید، ثانیاً، این فرصتهای اشتغال به‌طور متوسط باید به اندازه کافی ارزان باشند. ثالثاً، با توجه به اینکه جمعیت کشورهای جهان سوم از آموزش کافی برخوردار نیست و نرخ بیسوادی بالاست، روشهای تولید باید نسبتاً ساده باشد، رابعاً، روشهای تولید باید به صورتی باشد که از مواد محلی استفاده کند و محصولات آن کلاً برای استفاده محلی باشد. وی معتقد است که اهداف فوق از رهگذر ایجاد صنایع کوچک قابل تحقق می‌باشند.

صنایع سرمایه‌ای در حالیکه درصد قابل توجهی از واردات را شکل داده، درصد بسیار ناچیزی از صادرات غیر نفتی و قابل صرف نظر از صادرات کل کشور را تشکیل می‌دهد و برعکس آن کالاهای مصرفی درصد قابل توجهی از صادرات کل کشور را در برمی‌گیرد که در عصر حاضر شاخصی برای بالندگی صنعت یک کشور محسوب نمی‌گردد.

پایان سال ۱۳۵۸ تنها ۲۵ میلیارد ریال آن جذب شده بود. مجموعه این عوامل دست در دست هم دادند تا آنکه دولت موقت در تیرماه ۱۳۵۸ قانون ملی کردن بخشی از صنایع تولیدی را بتصویب شورای انقلاب رساند. در قالب این قانون حدود ۵۰۰ شرکت و مؤسسه تولیدی ملی اعلام شده و «سازمان صنایع ملی ایران» جهت اداره و سازماندهی آنها تأسیس گردید.

این اقدام اگرچه از یکسوی توجه به آرمانهای انقلاب و از سوی دیگر با توجه به تصحیح ساختار بخش صنعت که خارج از توان بورژوازی کمپرادور بود صورت گرفت، ولیکن از آنجا که دولت در این دوران هیچگونه تدابیر مناسبی در قالب یک استراتژی توسعه صحیح نداشت؛ نه تنها زمینه تحقق هدف فوق‌الذکر بوجود نیامد، بلکه در سالهای بعد فقدان کارآیی بخش دولتی مشکل‌آفرین شد. عدم وجود مدیران آموزش دیده و متخصص که جای خالی شده مدیران خصوصی را بگیرند، یکی از دلایل اصلی پیدایش بی‌نظمی در بخش صنعت بود که عمدتاً تحت تأثیر عدم توجه کافی به صلاحیتهای علمی و کارشناسی مدیران بوده

تحولاتی نظیر واگذاری صنایع دولتی به بخش خصوصی که از سال ۱۳۷۰ آغاز شده است، دگرگون و لذا سهم بخش دولتی در مالکیت کل صنایع کاهش خواهد یافت.

تحولات صنعتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

انقلاب ایران وارث صنعتی بود که میزان وابستگی آن بخارج بسیار زیاد بود، به همین خاطر پس از انقلاب صنایع کشور بدلیل محاصره اقتصادی و عدم تأمین مواد اولیه و واسطه‌ای دچار رکود گردیدند. از سوی دیگر صاحبان و مالکان این صنایع که با استفاده از اعتبارات بانکی آنها را تأسیس نموده بودند، با سرمایه‌های جاری که در دست داشتند از کشور خارج شدند، بدین شکل در اولین سالهای انقلاب بدلیل فقدان مدیران مجرب، در فرآیند تولید اختلال بوجود آمده و به آن ضربه زده شد. همچنین عدم اعتماد بخش خصوصی مانع از جذب اعتبارات اعطایی به منظور بحرکت درآوردن خط تولید توسط این بخش می‌شد، به نحوی که از ۸۰ میلیارد ریال اعتبارات بخش صنعت در

معدن از جمله نهادهایی هستند که پس از انقلاب بوجود آمده و صنایع مهمی را تحت پوشش دارند.

در اینجا تحولات بخش صنعت و زمینه‌های تولید، اشتغال و... را از طریق بررسی شاخصها دنبال می‌کنیم:

سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی:
عده‌ای از اقتصاددانان و نظریه پردازان توسعه اقتصادی بالابودن سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی را نشانه توسعه یافتگی می‌دانند. درحالی‌که در کشورهای پیشرفته این سهم کمتر از ۵۰ درصد نمی‌باشد، در ایران سهم بخش صنعت از ۱۴/۴ و صنایع و معادن از ۲۰/۶ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر نرفته است. به هر حال سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۵۸ معادل ۸/۲ درصد بوده که با نوساناتی به ۱۱/۵ درصد در سال ۱۳۶۶ افزایش یافته است. میزان رشد بخش صنعت طی سالهای ۶۷-۱۳۶۴ منفی بوده است. همچنین سهم بخش صنعت در کل شاغلین درحالی‌که در سال ۱۳۵۵ معادل ۲۴/۲ درصد بوده، در سال ۱۳۶۵ به ۲۵/۲۷ درصد تنزل یافته است (جدول شماره ۲).

تعداد کارگاهها:

تعداد کل کارگاهها از ۴۵۰۲ به ۶۱۲۷ واحد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است که بطور متوسط طی سالهای ۶۵-۱۳۵۸ رشدی معادل ۳/۹ درصد داشته است. تعداد کارگاههای

است. یقیناً اگر دولت قبل از آنکه اقدام به ملی شدن بخش اعظمی از صنایع می‌نمود، ابتدا ساخت خود را دگرگون و مدیران را براساس ضوابط علمی و تخصصی، و اعتقادی گزینش می‌نمود، بخشی از مشکلات بوجود آمده در سالهای اخیر حل می‌شد.

تحول دیگر در بخش صنعت پس از انقلاب، ایجاد مراکزی تحت عنوان «گسترش خدمات تولیدی و عمرانی» در قالب شرکتهای تعاونی صنعتی، کشاورزی، خدماتی و عمرانی در سطح استانهای کشور، جهت جذب فارغ التحصیلان بیکار و گسترش صنایع کوچک بود. همچنین در سال ۱۳۶۰ در راستای تصحیح مدیریت دولتی، وزارت صنایع و معادن از وزارت صنایع منفک گردید. با تأسیس این وزارتخانه شرکت ملی فولاد ایران (شامل ذوب آهن اصفهان، مجتمع فولاد مبارکه، گروه ملی صنعتی ایران) و شرکت ملی صنایع مس ایران، شرکت آلومینیوم اراک، شرکت سهامی کل معادن و ذوب فلزات، به وجود آمدند. در سال ۱۳۶۱ وزارت صنایع سنگین از وزارت معادن و فلزات مجزا و مستقلاً تأسیس شد. این وزارتخانه در حدود ۱۲۰ شرکت تولیدی و خدماتی بزرگ دولتی در شش گروه تخصصی وسائط نقلیه، موتور و محرکه‌ها، ریخته گری و آهنگری نورد و تغییر شکل فلزات، ماشین سازی و ساخت تجهیزات را دربر می‌گیرد. همچنین بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، بانک صنعت و

در سال ۱۳۶۶، ۱۹/۴ درصد از ارزش کل مواد مصرفی کارگاههای صنعتی کشور را مواد اولیه خارجی تشکیل داده است که این نسبت برای صنایع شیمیائی، نفت و... صنایع کاغذ و مقوا و چاپ و انتشار و صنایع تولید فلزات اساسی به ترتیب ۴۱/۸، ۳۷/۸ و ۳۶/۳ درصد بوده که نشانگر وابستگی عمیق چنین صنایعی به خارج می باشد.

شماره (۴).

مزد و حقوق:

متوسط مزد و حقوق پرداختی به مزد و حقوق بگیران کارگاههای بزرگ صنعتی کشور از ۶۰۱/۵ هزار ریال در سال ۱۳۵۸ به ۱۰۳۵/۲ هزار ریال در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است که تقریباً دو برابر شده است. در شرایطی که از یکطرف بر تعداد کارکنان صنایع افزوده می گردد، بدون آنکه واحدهای جدیدی احداث گردد و از طرف دیگر متوسط مزد و حقوق پرداختی افزایش یافته است، بدیهی است که هزینه های تولید صنایع افزایش یافته و در صورتیکه توان جبران آن را از طریق افزایش قیمتها نداشته باشند، تن به ضرر می دهند، کما اینکه بسیاری از کارگاههای بزرگ صنعتی تحت پوشش دولتی طی سالهای گذشته زیان ده بوده اند. جدول شماره (۵).

سرمایه گذاری:

انباشت سرمایه لازمه پویای صنعتی شدن است. پس از انقلاب نه تنها سرمایه گذارهای وسیع در امور صنعتی

صنعتی در حالیکه طی سالهای قبل از ۱۳۶۰ مجموعاً دارای نرخ رشد مثبت بوده است، از سال ۱۳۶۰ به بعد با نرخ کاهنده به ۶۱۲۷ واحد در سال ۱۳۶۵ که کمتر از سال ۶۰ است رسیده است. دلیل این امر را شاید بتوان از یکسو ناشی از سودآوری بخش خدمات و تجارت که سرمایه های بخش صنعت را جذب نموده است و از سوی دیگر متأثر از ورشکستگی بعضی از واحدها بدلیل فقدان مواد اولیه و واسطه ای دانست (جدول شماره ۳).

اشتغال:

تعداد شاغلین کل کارگاههای بزرگ صنعتی از ۴۱۴/۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۸ به ۵۵۹ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است که از این تعداد ۴۸۴ هزار نفر کارگر و ۷۵ هزار نفر کارمند می باشد. در شرایطی که کل ارزش افزوده کارگاهها از نرخ رشد مثبت ناچیزی برخوردار بوده و یا آنکه حتی در بعضی سالها منفی بوده است، روشن است که در شرایط عدم رشد ارزش افزوده، افزایش تعداد شاغلین یکی از دلایل کاهش بهره وری سرانه صنایع می باشد. جدول

صورت نگرفته است، بلکه سرمایه گذاری مورد نیاز جهت جلوگیری از استهلاک صنایع نیز به عمل نیامده است. سرمایه گذاری ثابت دولت از محل اعتبارات عمرانی در بخش صنعت در حالیکه در سال ۱۳۵۶ معادل ۱۰۲/۵ میلیارد ریال بوده است، طی سالهای ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۰ از این مقدار کمتر بوده است. با توجه به وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی در کشور که بسیاری از صنایع را مورد آسیب قرار داد، به ناچیز بودن این سرمایه گذاریها می توان پی برد. در هر حال در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ این شاخص افزایش یافته که مجدداً در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ رشد منفی و طی سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ رشد مثبت داشته است.

صنایع ذوب فلزات بیش از ۵۰ درصد سرمایه گذاریهای ثابت دولت را بخود اختصاص داده است. صنایع شیمیایی و پتروشیمی با بیش از متوسط سالانه ۱۰ درصد در رده دوم قرار گرفته است. برنامه نظارت بر امور صنعتی و بررسی و تحقیق، که پایه های رشد در بخش صنعت را فراهم می سازد، طی سالهای ۶۵-۱۳۵۷ کمتر از ۱ درصد از سرمایه گذاریهای ثابت را بخود اختصاص داده است که مبین کم توجهی به بررسی و تحقیق و نظارت بر امور صنعتی می باشد (جدول شماره ۶)

وضعیت صنعت از دیدگاه میزان وابستگی:

در سال ۱۳۶۶، ۱۹/۴ درصد از ارزش کل مواد مصرفی کارگاههای صنعتی کشور

را مواد اولیه خارجی تشکیل داده است که این نسبت برای صنایع شیمیایی نفت و...، صنایع کاغذ و مقوا و چاپ و انتشار، و صنایع تولید فلزات اساسی به ترتیب ۴۱/۸، ۳۷/۸ و ۳۶/۳ درصد بوده که نشانگر وابستگی عمیق چنین صنایعی بخارج می باشد. همچنین هنگامی که میزان وابستگی کارگاهها را با توجه به تعداد کارکنان آنها در نظر بگیریم، ملاحظه می شود که صنایع کوچک (کمتر از ۱۰ نفر شاغل) کمترین میزان وابستگی یعنی ۱۰/۲ درصد را دارد، در حالیکه کارگاههایی که تعداد شاغلینشان بیش از ۱۰ نفر است میزان وابستگی شان هم زیاد می باشد و لذا رابطه مستقیمی بین بزرگی واحد تولیدی و مقیاس تولید از یکسو و میزان وابستگی از سوی دیگر وجود دارد، به نحوی که کارگاههای با بیش از ۱۰۰ نفر شاغل، ۳۰/۹ درصد از کل مواد مصرفی شان را مواد اولیه خارجی تشکیل می دهد، یعنی صنایعی که از ماشین آلات بیشتری استفاده می کنند و تشکیلات وسیعی دارند، بیش از صنایع کوچکتر وابسته هستند.

صنایع شیمیایی و نفت، ذغال سنگ و لاستیک و پلاستیک، صنایع تولید فلزات اساسی و صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی که محور رشد و توسعه صنعتی کشور محسوب می شوند در تمام گروهها از وابستگی بیشتری برخوردار هستند. (جدول شماره ۷).

«اطلاعات صنعتی موجود در خصوص

از نیروی انسانی متخصص در عصر کنونی به عنوان سرمایه انسانی یاد می‌شود که اهمیت آن به مراتب بیش از سایر عوامل در فرآیند تولید می‌باشد. به هر حال اگر توسعه اقتصادی را تحول مبانی علمی و فنی تولید از شکل سنتی به شکل مدرن و پویا بدانیم، شکی نیست که بدون وجود سرمایه انسانی، تحقق چنین امری غیر ممکن می‌باشد.

نشان می‌دهد که چهار مرحله را طی نموده است: مرحله اول، قبل از انقلاب صنعتی است، انسان در این مرحله صرفاً با اتکاء به بازوی خویش کار می‌کند، در مرحله بعد که پس از انقلاب صنعتی است، انسان توأم با ماشین که تکنولوژی ساده‌ای دارد، فعالیت می‌کند و در مرحله سوم که پس از جنگ جهانی دوم شروع و عصر تسخیر فضا و پیشرفتهای تکنولوژیک می‌باشد، علوم و دانش با پیشرفت خود تحولی عظیم در تکنولوژی را بوجود آورد.

در مرحله چهارم که پس از سال ۱۹۷۰ آغاز شده است، انسان بجای کار، فکر می‌کند و بدینصورت تفکر انسان کیمیایی می‌گردد که با ترکیب سایر عوامل تولید محصولات بی نظیر بیمار می‌آورد. این پروسه تاریخی تکامل صنعتی جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که یکی از عوامل اصلی تغییر مبانی علمی و فنی تولید، نیروی انسانی متخصص بوده است که خود معلول آموزشهای پیشرفته می‌باشد.

کارکرد صنایع بزرگ کشور گویای این نکته است که در سال ۱۳۶۵ نیز ضرایب وابستگی مورد بحث در سال ۱۳۶۳، همچنان پابرجاست، به عبارت دیگر در سال ۱۳۶۵، صنایع سرمایه‌ای با بیش از ۷۰ درصد و صنایع مصرفی با حدود ۶۴ درصد، بالاترین میزان وابستگی به مواد اولیه خارجی را دارا بوده‌اند و محدودترین میزان وابستگی با ۲۹ درصد وابستگی متعلق به صنایع مصرفی بی دوام بوده است!»

وضعیت صنعت از دیدگاه نیروی انسانی

از نیروی انسانی متخصص در عصر کنونی به عنوان سرمایه انسانی یاد می‌شود که اهمیت آن به مراتب بیش از سایر عوامل در فرآیند تولید می‌باشد. به هر حال اگر توسعه اقتصادی را تحول مبانی علمی و فنی تولید از شکل سنتی به شکل مدرن و پویا بدانیم، شکی نیست که بدون وجود سرمایه انسانی، تحقق چنین امری غیر ممکن می‌باشد. پویای توسعه صنعتی کشورهای پیشرفته

و ۴/۷ درصد، در ساختن ماشین آلات و دستگاههای کامل برقی به ترتیب ۱۴/۵، ۲۵/۵ و ۴/۵ درصد از نیروی انسانی متخصص را بخود اختصاص داده اند. در صنایع نوع اول کره جنوبی و هند به ترتیب حدود ۵ و ۱۰ برابر، در صنایع دوم به ترتیب حدود ۳ و ۴ برابر و در صنایع نوع سوم به ترتیب حدود ۳ و ۵/۵ برابر ایران نیروی متخصص دارند. ایران از این لحاظ حتی به پای کشورهای تازه صنعتی شده ای چون هند و کره جنوبی هم نمی رسد (جدول شماره ۹).

شاخص دیگری که در این رابطه باید مورد توجه قرار بگیرد پژوهش و به عبارت تخصصی تر تحقیق و توسعه در امور صنعتی و اقتصادی می باشد. گو اینکه در کشور ما مراکز متعددی تحت این عنوان مشغول به فعالیت هستند، اما فاقد کارایی و نیروی انسانی متخصص هستند. به هر حال تحقیق و توسعه امروزه یکی از ابزارهای مهم رشد و توسعه صنعتی می باشد. با توجه به شاغلان مراکز پژوهشی و نوع مدرکشان، فقر پژوهش در کشور آشکار می شود. از کل شاغلین، تنها ۱۶/۳ درصد دارای مدرک دکتری و ۱۰/۳ درصد دارای مدرک لیسانس هستند که مجموعاً ۲۶/۹ درصد می باشد. اگر به بین تعداد شاغلین در تحقیق و توسعه بین ایران و کره جنوبی توجه شود، این ضعف بیشتر روشن می گردد. در حالیکه در کشور کره جنوبی ۱۹۴۹۳ و ۳۲۰۰۰ نفر به ترتیب تکنسین و دانشمند و مهندس وجود دارد، در ایران این

به هر حال در کشور ما کمبود نیروی انسانی متخصص در بخش صنعت، یکی از عوامل اصلی عقب ماندگی و عدم تحرک و پویائی آن می باشد. در سال ۱۳۶۵ از کل شاغلین بخش صنعت تنها ۱۱/۹ و ۱/۷ درصد به ترتیب دارای تحصیلات متوسطه و عالی بوده اند. اگر مجموع دارندگان تحصیلات متوسطه و عالی را به عنوان شاخص نسبی سرمایه انسانی در نظر بگیریم، بخش صنعت ۱۳/۶ درصد از کل سرمایه انسانی کشور را بخود اختصاص داده است که مبین کمبود نیروی انسانی متخصص در این بخش می باشد (جدول شماره ۸). هنگامی که نوع صنایع را بر اساس نوع کالاهایی که تولید می کنند در ارتباط با نیروی انسانی متخصص در نظر بگیریم، به وضعیت رقت بار صنایع از این دیدگاه می توان پی برد. صنایع سرمایه ای، مصرفی بی دوام، واسطه ای مصرفی، واسطه ای سرمایه ای و مصرفی بادوام هر کدام به ترتیب ۲۱، ۱۲/۲، ۱۷/۴، ۲۰/۲ و ۲۹/۱ درصد از نیروی انسانی دارای تحصیلات عالی موجود در کل بخش صنعت را بخود اختصاص داده اند.

برای پی بردن به اهمیت بیشتر موضوع، به وضعیت تخصصها در برخی از رشته های صنعتی صنایع سرمایه ای در کشورهای کره جنوبی، هند و ایران توجه می کنیم.

در صنایع ماشین آلات و چوب بری و فلزکاری این کشورها به ترتیب ۱۱/۶، ۲۱/۴ و ۲/۴ درصد، در ساختن ماشین آلات صنعتی (تجهیزات فرآوری) به ترتیب ۱۵/۱، ۱۹/۸

در سال ۱۳۶۵ از کل شاغلین بخش صنعت تنها ۱۱/۹ و ۱/۷ درصد به ترتیب دارای تحصیلات متوسطه و عالی بوده‌اند. اگر مجموع دارندگان تحصیلات متوسطه و عالی را به عنوان شاخص نسبی سرمایه انسانی در نظر بگیریم، بخش صنعت ۱۳/۶ درصد از کل سرمایه انسانی کشور را بخود اختصاص داده است که مبین کمبود نیروی انسانی متخصص در این بخش می‌باشد.

تعداد ۱۸۵۴ و ۳۱۹۴ نفر می‌باشد.

ابزارهای سیاستگذاری در بخش صنعت

قوانین مالیاتی:

شدند. پس از انقلاب در مالیاتهای صنعتی تا سال ۱۳۶۶ اساساً هیچگونه اولویت و سیاستی جنبه قانونی نداشت، وانگهی ملی شدن قسمت اعظم صنایع، فقدان اطمینان و اعتماد برای بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری ثابت، وجود نظام چند قیمتی و بازار سیاه برای بخش وسیعی از تولیدات صنعتی به همراه عدم ثبت صحیح و دقیق صورتهای مالی که مانع تشخیص و تعیین مالیاتها می‌شود، تأثیر نظام مالیاتی بر کارکرد صنعتی کشور را از بین برده است.

مالیاتها به عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاستگذاری در اقتصاد و بویژه در بخش صنعت محسوب می‌گردد. مالیاتها بصورت مستقیم و یا بصورت غیر مستقیم و یا به شکل عوارض به عنوان درآمدهای دولت دریافت می‌شود. جمع آوری مالیاتها چندان حائز اهمیت نمی‌باشد، آنچه مهم است، مکانیسم و چگونگی دریافت مالیاتهاست. شیوه‌ها و مکانیسمهای دریافت مالیات و ضوابط و مقررات تعیین نرخهای مالیاتی بایستی به گونه‌ای باشند که اهداف مورد نظر را تحقق بخشند. یکی از اهداف بخش صنعت قبل از انقلاب، ایجاد توسعه صنعتی در مناطق مختلف کشور بود که نظام مالیاتی در هدایت سرمایه گذارها بسوی مناطقی غیر از شهرهای بزرگ، عملاً ناموفق بود، بدین شکل نزدیک به ۸۰ درصد صنایع اطراف شهرهایی چون تهران و اصفهان متمرکز

مقررات صادرات و واردات:

قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات همانند مالیاتها، حکم ابزاری قوی را دارد که در اختیار دولت است. وضع چنین قوانینی با توجه به شرایط اقتصادی و استراتژی توسعه صورت می‌پذیرد، مثلاً در دوران ۳۲-۱۳۲۹ کالاها به سه دسته تقسیم بندی شده بودند: کالاهای ضروری، نیمه ضروری (مفید) و غیر ضروری (معمولی). صادرات هم به سه دسته تقسیم شده بود، اگر کالایی صادر می‌شد که

ضروری بود، صادرکننده مجبور به ورود کالای ضروری بود.

پس از انقلاب به منظور کاهش واردات، حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای مصرفی وارداتی افزایش بیشتری نسبت به قبل از انقلاب یافته است، بطوریکه سود بازرگانی برای کالاهای نساجی، اتومبیل، کالاهای برقی خانگی و لوازم صوتی به ترتیب تا ۳۰۰، ۳۵۵، ۲۲۰ و ۴۷۰ درصد قیمت دارائی رسیده است. افزایش حقوق و عوارض گمرکی بیشتر در ارتباط با تأمین کسری بودجه بوده است که بعضی مواقع این افزایش تا از بین بردن مابه‌التفاوت قیمت کالای وارداتی و داخلی نیز صورت گرفته است. در مورد کالاهای سرمایه‌ای ابهامات زیادی وجود داشته است، مثلاً درحالی‌که واردات کشتی، بعضی از ماشین‌آلات صنایع غذایی، نساجی، سلولزی و ماشین‌آلات کشاورزی از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی معاف بوده است، حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهایی چون ورقهای فولادی، آلیاژهای غیر آهنی، الکترودهای جوشکاری و لحیم کاری، لوازم الکتریکی و الکترونیکی که به عنوان کالاهای واسطه‌ای اهمیت قابل توجهی در فرآیند تولید دارند، به ترتیب تا ۳۰، ۷۵، ۶۰ و ۵۰ درصد می‌رسد.

قوانین و مقررات مربوط به صدور موافقتنامه اصولی

یکی دیگر از سیاستهای مؤثر در

فعالیت‌های صنعتی مقررات مربوط به صدور موافقتنامه‌های اصولی است. پس از انقلاب بدلیل گسترش روزافزون بخش عمومی که فاقد تخصیص‌ها و ویژگیهای بخش عمومی کارا می‌باشد، بوروکراسی دولتی نیز افزایش یافت. بدین شکل صدور موافقتنامه اصولی با توجه به مقررات وضع شده بعضی مواقع چندین سال طول می‌کشد که مانع فعالیت سرمایه‌گذاران در امور صنعتی بود. طی یکی دو سال اخیر با واگذاری صدور موافقتنامه اصولی به مراکز استانی اولین گام در جهت کاهش بوروکراسی برداشته شده است که قوانین و مقررات دیگری نیز جهت تسهیل در این امر وضع شده است.

خلاصه و نتیجه:

ساخت کنونی بخش صنعت از سال ۱۳۴۰ با احداث صنایع مونتاژ در قالب استراتژی جانشین‌سازی واردات شکل گرفته است. طی ۳۰ سال گذشته صنایع سبک تولید کننده کالاهای مصرفی بی دوام و بادوام و صنایع سنگین نظیر ذوب آهن، ماشین‌سازی و نورد احداث گردید، و بدین‌صورت سیمای بخش صنعت را از آنچه که در گذشته بود متمایز نموده است. شکی نیست که این سرمایه‌گذاریهای عظیم در صورت توجه به سایر عوامل رشد و توسعه، توان حل بسیاری از مشکلات و تنگناهای کنونی بخش صنعت را می‌توانست داشته باشد، اما چنین توجهی نظیر تربیت و

پس از انقلاب (تا سال ۱۳۶۶) در مالیاتهای صنعتی اساساً هیچگونه اولویت و سیاستی جنبه قانونی نداشت، وانگهی ملی شدن قسمت اعظم صنایع، فقدان اطمینان و اعتماد برای بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری ثابت، وجود نظام چند قیمتی و بازار سیاه برای بخش وسیعی از تولیدات صنعتی به همراه عدم ثبت صحیح و دقیق صورتهای مالی که مانع تشخیص و تعیین مالیاتها می شود، تأثیر نظام مالیاتی بر کارکرد صنعتی کشور را از بین برده است.

۳- سهم ناچیز بخش صنعت در صادرات غیر نفتی، این سهم در سال ۱۳۶۶ معادل ۹/۸ درصد بوده است.

۴- ضعف نیروی انسانی متخصص و مدیریت.

۵- فقدان پژوهش و توسعه در کل اقتصاد کشور بصورت اعم و در بخش صنعت بصورت انحصار. اگر پژوهش و توسعه ای هم در جریان بوده است، فاقد محتوا و پیامدهای مؤثر بر فرآیند تولید می باشد.

۶- تعدد مراکز تصمیم گیری و عدم انسجام آنها.

۷- فقدان روح کارآفرینی

۸- فقدان برنامه ریزی منسجم و عدم اصرار بر اجرای آن در دوره زمانی مورد نظر تحت هر شرایط. در رابطه با این مورد به این مسئله باید اشاره شود که نه تنها در بخش صنعت برنامه ریزی منسجم وجود ندارد، بلکه برای کل اقتصاد کشور یک برنامه منسجم که ارتباط بین بخشهای مختلف نظیر بخش صنعت و بازرگانی خارجی را مشخص کند و لازم الاجرا باشد وجود نداشته است. همین

تقویت نیروی انسانی متخصص و ماهر، بالا بردن کیفیت نظام آموزشی کشور... نگریدید، به همین خاطر پس از گذشت ۳۰ سال با وجود داشتن ماشین آلات صنعتی که جزء سخت افزار تکنولوژی را شامل میشود، به سرمنزل مقصود، یعنی صنعتی که بخشی از نیازهای خود و سایر بخشها را تأمین نماید، نرسیده ایم. به عبارت دیگر وضعیت کنونی بخش صنعت به صورتی است که نه تنها صنایع مختلف ارتباط قوی و منسجمی با یکدیگر نداشته و حلقه های متصل به هم زنجیره تولید را تشکیل نمیدهند، بلکه بخش صنعت در تأمین نیازهای بخش کشاورزی نیز (تأمین ادوات و ماشین آلات کشاورزی و سایر نهاده ها) نقش ضعیفی دارد. به هر حال ویژگیهای بخش صنعت ایران را بطور خلاصه در موارد ذیل می توان بیان نمود:

۱- سهم تولیدات صنایع سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی در کل تولیدات صنعتی ترکیب بسیار نامناسبی دارد.

۲- وابستگی شدید به خارج و اتکای شدید به درآمدهای ارزی.

در حالیکه واردات کشتی، بعضی از ماشین آلات صنایع غذایی، نساجی، سلولزی و ماشین آلات کشاورزی از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی معاف بوده است، حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهایی چون ورقهای فولادی، آلیاژهای غیر آهنی، الکترودهای جوشکاری و لحیم کاری، لوازم الکتریکی و الکترونیکی که به عنوان کالاهای واسطه‌ای اهمیت قابل توجهی در فرآیند تولید دارند، به ترتیب تا ۳۰، ۷۵، ۶۰ و ۵۰ درصد می‌رسد.

- ۳- انتخاب مدیران بر اساس صلاحیتهای لازم
- ۴- هماهنگی بین مراکز تصمیم‌گیری.
- ۵- اختصاص سهم بزرگتری از تولید ناخالص ملی به سرمایه‌گذاری
- ۶- انتقال صحیح تکنولوژی و ...

بدون هیچگونه تردیدی و با توجه به تجربه کشورهای دیگر به این نکته بسیار مهم می‌توان اشاره نمود که تمام اقدامات فوق‌الذکر در صورتی با موفقیت توأم خواهد بود که در قالب یک برنامه منسجم و یا استراتژی توسعه صنعتی صورت پذیرد. یقیناً پرداختن به مسائل اشاره شده بدون توجه به پاسخ سؤالات ذیل که فقط و فقط در صورت تدوین استراتژی توسعه صنعتی روشن می‌شوند به مثابه رهایی تیراز کمانی است که بطور دقیق هدفگیری نشده است.

- ۱- نیازهای ضروری صنعتی جامعه و امکانات موجود چیست؟
- ۲- سهم سرمایه‌گذاری در صنایع سبک و سنگین از کل سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به چه میزان باید باشد؟

امر باعث شده است که به عنوان مثال با افزایش درآمدهای ارزی سیل کالاهای وارداتی نیز به موازات آن افزایش یافته و لذا در ورای انواع سیاستگذاریهای انجام شده جهت رشد بخش صنعت، شدیدترین ضربه‌ها بر پیکر آن وارد گردد. بنابر این اگر برنامه‌ای تدوین می‌گردد، بدلیل عدم دوراندیشی و تمرکز توجه به حل مشکلات کوتاه‌مدت، عملاً اجرا نمی‌گردد و یا در صورت اجرا بدلیل عدم هماهنگی با سایر بخشها نقش بر آب می‌شود.

چه باید کرد؟

آنچه که تا بدین جا مطرح شد، فی الواقع ارائه تصویری از سیمای بخش صنعت و یا به عبارت بهتر «درد شناسی صنعت ایران» بود. یقیناً اقدامات لازم جهت توسعه صنعتی با توجه به ویژگیهای ذکر شده از بخش صنعت عیان و آشکار است، با اینحال بطور خلاصه به موارد ذیل اشاره می‌شود:

- ۱- تقویت نیروی انسانی متخصص
- ۲- توجه به کیفیت پژوهش و توسعه

۳- مهارت و تخصص نیروی انسانی با توجه به اولویتی که به صنایع مختلف داده می‌شود تا چه حدی مدنظر است؟ بدیهی است اگر اولویت به صنایع سنگین داده شود، بخش اعظمی از نیروی انسانی متخصص، مهندسین ماشین ابزار، مکانیک، متالوژی و... را دربر می‌گیرد، در حالیکه در صورت اولویت دادن به صنایع سبک نیروی انسانی متخصص در سطوح بسیار بالا ضروری نیست.

۴- جهت گیری پژوهش و توسعه بیشتر به کدام سو باید باشد؟
 ۵- تکنولوژی مناسب برای کشور کدام است؟

پاسخ به این سؤالات، فی الواقع جهت گیریهای لازم در بخش صنعت را مشخص می‌نماید. به عبارت دیگر نورافکنی می‌شود که پیشاپیش راه را روشن و دورنمای آینده را نمایان می‌سازد، بنابراین همانگونه که پیشتر نیز ذکر شد، بدون طرح چنین سؤالاتی و پاسخ دادن به آنها بصورت مستدل و علمی، اقدامات به عمل آمده در حوزه خود موفقیت آمیز نخواهد بود. این تجربه ای است که طی سیزده سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی کسب نموده ایم.

جدول (۱). ساختار صنعت در بخشهای مختلف

سال	۱۳۴۸	۱۳۵۲	۱۳۵۳
گروههای تولیدی	۷۴/۴	۶۴	۶۳/۴
کالاهاى مصرفى	۱۶/۲	۲۲/۳	۲۲/۷
کالاهاى واسطه‌ای	۸/۴	۱۳	۱۳/۴
کالاهاى سرمایه‌ای	۱	۰/۷	۰/۵
متفرقه			
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: محمد رضا، سوداگر. رشد روابط سرمایه داری در ایران (مرحله گسترش)، تهران: انتشارات شعله اندیشه، (۱۳۶۹).

جدول (۲). تولید ناخالص داخلی و سهم بخش صنعت (به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳) (میلیارد ریال)

سال					
۶۲	۶۱	۶۰	۵۹	۵۸	۵۵
۳۴۱۷/۸	۳۰۴۰/۳	۲۶۱۹/۹	۲۵۶۳/۴	۳۰۶۹/۵	۳۵۹۷/۵
تولید ناخالص داخلی (به قیمت عوامل)					
۴۶۳/۸	۳۸۷/۸	۲۲۸/۹	۲۱۷/۲	۲۵۱/۸	۴۱۸/۱
بخش صنعت					
۱۳/۶	۱۲/۸	۸/۷	۸/۵	۸/۲	۱۱/۶
سهم بخش صنعت (درصد)					
سال					
۶۷*	۶۶	۶۵	۶۴	۶۳	
۳۰۲۱/۸	۳۲۰۳/۳	۳۰۸۶/۲	۳۳۷۶	۳۴۲۱/۳	
تولید ناخالص داخلی (به قیمت عوامل)					
۳۵۵/۵	۳۷۰	۳۷۱/۷	۴۸۰/۸	۴۹۱/۶	
بخش صنعت					
۱۱/۷	۱۱/۵	۱۲	۱۴/۲	۱۴/۴	
سهم بخش صنعت (درصد)					

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه های بانک مرکزی سالهای مختلف. (تهران: بانک مرکزی ج. ۱. ۱۰) برآورد

جدول (۳). تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی کشور به تفکیک فعالیت در سالهای ۶۵-۱۳۵۵

	۱۳۶۰		۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۵	
	دولتی	کسب			دولتی	کسب
کل صنایع	۶۶۲	۷۵۳۱	۵۸۸۰	۴۵۰۲	۱۳۰	۵۴۲۲
صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	۱۲۰	۸۶۹	۶۸۳	۵۸۴	۵۱	۸۲۸
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۴۲	۱۸۰۶	۱۱۴۳	۷۸۷	۲۶	۱۱۴۴
صنایع چوب و محصولات چوبی	۴۳	۳۳۹	۲۰۸	۱۳۵	۵	۲۲۹
صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی	۳۶	۲۸۵	۱۹۷	۱۳۸	۵	۱۹۹
صنایع شیمیائی	۸۹	۵۲۶	۴۲۰	۲۸۹	۲۰	۳۱۴
صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز - فراورده های نفت و ذغال سنگ	۱۱۵	۲۷۵۳	۲۳۸۳	۲۰۴۶	۱۰	۲۰۲۷
صنایع تولید فلزات اساسی	۱۴	۵۹	۴۱	۴۲	۲	۳۶
صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	۱۰۲	۸۵۸	۷۸۸	۴۶۶	۱۱	۵۹۸
صنایع متفرقه	۱	۳۶	۱۷	۱۵	۰	۲۷



۱۳۶۵		۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	
دولتی	کل					
۹۹۷	۶۱۲۷	۶۲۴۸	۶۵۹۶	۶۷۷۵	۶۹۳۸	کل صنایع
۱۷۰۹	۹۲۸	۹۲۳	۹۵۳	۹۷۰	۹۹۷	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات
۱۷۴	۱۱۱۳	۱۱۱۳	۱۱۷۶	۱۲۰۰	۱۲۲۱	صنایع نساجی، پوشاک و چرم
۵۲	۱۸۲	۱۷۷	۱۸۸	۱۹۱	۱۹۹	صنایع چوب و محصولات چوبی
۴۸	۲۲۴	۲۲۵	۲۳۳	۲۳۷	۲۳۵	صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی
۱۳۴	۴۹۳	۵۰۰	۵۲۸	۵۴۵	۵۵۱	صنایع شیمیائی
۱۹۵	۲۲۳۳	۲۳۱۵	۲۴۷۱	۲۵۶۹	۲۶۴۶	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز فراورده های نفت و ذغال سنگ
۲۵	۶۴	۶۷	۷۲	۷۱	۶۹	صنایع تولید فلزات اساسی
۱۸۴	۸۶۱	۸۹۷	۹۴۴	۹۶۲	۹۶۹	صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی
۶	۲۸	۳۱	۳۱	۳۰	۳۱	صنایع متفرقه

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای مختلف، (تهران: مرکز آمار ایران سالهای مختلف).

جدول (۴). تعداد مزد و حقوق بگیران کارگاههای بزرگ صنعتی به تفکیک فعالیت در سالهای ۶۵-۱۳۵۵

۱۳۶۵		۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	فعالیت
دولتی	کل				
۵۳۸	۴۸۶	۴۷۴	۴۱۵	۳۹۶	کل صنایع
۸۵	۷۵	۷۷	۶۵	۶۷	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات
۱۳۷	۱۳۶	۱۱۵	۹۸	۱۱۰	صنایع نساجی، پوشاک و چرم
۱۴	۹	۱۲	۱۰	۸	صنایع چوب و محصولات چوبی
۱۵	۱۶	۱۴	۱۲	۱۱	صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی
۴۷	۴۴	۵۸	۵۴	۴۳	صنایع شیمیائی
۹۹	۷۹	۷۷	۶۵	۶۰	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز فراورده های نفت و ذغال سنگ
۲۷	۲۳	۲۱	۲۲	۱۸	صنایع تولید فلزات اساسی
۱۱۵	۱۰۳	۹۹	۸۹	۷۸	صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی
۱	۰/۸	۰/۶	۰/۴	۰/۷	صنایع متفرقه
۱۳۶۵		۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	فعالیت
دولتی	کل				
۴۱۷/۵	۵۵۹	۵۷۸	۵۹۳	۵۶۷	کل صنایع
۶۳/۴	۸۹	۸۵	۸۸	۸۸	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات
۹۹/۶	۱۴۴	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۲	صنایع نساجی، پوشاک و چرم

۱۳/۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	صنایع چوب و محصولات چوبی
۱۲	۱۵	۱۵	۱۶	۱۶	صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی
۴۰/۴	۵۲	۵۲	۵۲	۴۸	صنایع شیمیائی
۴۴	۸۴	۹۱	۹۷	۹۷	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز فرآورده‌های نفت و ذغال سنگ
۳۸/۱	۳۹	۴۰	۳۹	۳۳	صنایع تولید فلزات اساسی
۱۰۵/۴	۱۲۱	۱۳۵	۱۴۱	۱۲۹	صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی
۱/۷	۱	۱	۱	۱	صنایع متفرقه

مأخذ: مرکز آمار ایران. آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی سالهای ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴.

جدول (۵). متوسط مزد و حقوق پرداختی به مزد و حقوق‌بگیران کارگاه‌های صنعتی کشور به تفکیک فعالیت (هزار ریال)

فعالیت	۱۳۵۵	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱
کل صنایع	۲۲۴/۵	۶۰۱/۵	۶۸۶/۶	۷۲۵/۵	۷۷۳/۳
صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	۲۳۲/۰	۵۵۷/۱	۶۴۶/۸	۷۰۱/۶	۷۵۵/۰
صنایع نساجی، پوشاک و جرم	۱۸۲/۰	۵۱۰/۸	۶۵۱/۵	۶۸۳/۲	۷۴۷/۶
صنایع چوب و محصولات چوبی	۱۵۸/۹	۴۵۶/۷	۵۴۹/۸	۵۷۵/۹	۷۰۵/۵
صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی	۲۵۰/۰	۷۲۹/۲	۷۲۷/۵	۷۴۷/۲	۸۶۵/۱
صنایع شیمیائی	۳۲۱/۱	۸۳۱/۶	۸۷۶/۱	۸۴۸/۳	۸۹۰/۷
صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز فرآورده‌های نفت و ذغال سنگ	۱۹۷/۱	۴۶۳/۸	۵۶۲/۸	۶۴۴/۴	۶۷۴/۰
صنایع تولید فلزات اساسی	۲۷۸/۴	۶۷۵/۷	۸۴۱/۰	۸۳۸/۳	۸۹۱/۸
صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	۲۳۷/۵	۶۷۵/۹	۷۲۱/۳	۷۹۴/۱	۸۲۵/۴
صنایع متفرقه	۱۲۵/۸	۳۹۴/۱	۴۷۸/۷	۵۱۰/۷	۵۸۰/۲
فعالیت	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	
کل صنایع	۸۷۷/۰	۹۴۶/۱	۹۰۳۶/۰	۱۰۳۵/۲	
صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	۸۳۵/۴	۸۹۳/۴	۹۸۳/۸	۹۷۵/۷	
صنایع نساجی، پوشاک و جرم	۸۳۱/۳	۹۰۹/۰	۹۷۵/۲	۹۷۳/۴	
صنایع چوب و محصولات چوبی	۷۹۱/۴	۸۲۶/۹	۸۶۷/۴	۸۶۰/۸	
صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و صحافی	۹۹۳/۹	۱۰۷۰/۵	۱۱۵۰/۳	۱۱۴۷/۲	
صنایع شیمیائی	۹۴۴/۱	۱۰۴۸/۷	۱۰۷۷/۱	۱۱۲۴/۹	
صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز فرآورده‌های نفت و ذغال سنگ	۸۰۵/۶	۸۶۱/۵	۹۵۰/۴	۱۰۰۴/۸	
صنایع تولید فلزات اساسی	۹۳۶/۴	۱۰۰۴/۳	۱۰۹۰/۹	۱۱۶۹/۱	
صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	۹۶۶/۳	۱۰۲۱/۵	۱۱۲۲/۷	۱۰۹۹/۴	
صنایع متفرقه	۶۷۸/۳	۶۲۶/۵	۸۰۷/۸	۸۶۳/۳	

مأخذ: مرکز آمار ایران آمار کارگاههای بزرگ صنعتی، (سالهای ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۱۳۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۱۳۶۵)

جدول (۶). سرمایه گذاری ثابت دولت از محل اعتبارات عمرانی در بخش های مختلف

(میلیون ریال)

۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	
۲۴۹۵	۳۲۲۱	۴۴۱۸	۳۱۰۱	۲۰۳۴	غذائی
۸۹۲	۹۷۶	۹۷۳	۱۹۴۳	۲۲۱۴	نساجی دستی و روستائی چرم
۳/۲۷۰	۴/۹۹۶	۵۹۵۸	۷۳۶۶	۹۲۹۰	سلولزی و چاپ
۱۰۸۸۱	۷/۷۶۴	۸۹۹۷	۶۷۴۰	۱۵۳۵۸	شیمیایی و پتروشیمی
۴۶۳۳	۳۸۹۰	۳۸۷۳	۴۰۴۴	۶۹۳۰۹	معدنی غیرفلزی
۴۵۳۸۵	۴۳۱۶۲	۳۹۹۳۴	۴۳۷۵۹	۴۸۷۴۲	فلزی و ذوب فلز
۳۳۳۵	۲۸۲۳	۱۸۶۹	۲۹۳۳	۵۹۴/۹	مکانیکی
۷۴۴	۵۷۱	۳۴۳۱	۱۴۰۰	۱۵۹۹	الکتریکی و الکترونیکی
۴۴۹۴	۲۴۵۵		۶۹۸۱	۹۳۹۳	وسائط نقلیه
.	۵۸	.	.	.	برنامه تاسیسات صدمه دیده شده
۸۳	.	—	۱۲۵	۱۸۳	برنامه نظارت بر امور صنفی و بررسی و تحقیق
۹۹۳	۷۰۸	۴۸۱	۲۸۶	۷۸۳	برنامه کمکهای فنی
۷۷۲۰۵	۷۰۵۶۶	۶۹۹۳۴	۷۸۶۷۸	۱۰۲۴۸۴	جمع
۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	۶۱	
۴۴۴۸	۳۹۱۸	۳۵۳۳	۵۰۴۵	۵۱۷۶	غذائی
۳/۳۳۱	۵/۱۱۶	۵/۰۶۸	۳/۴۶۴	۲/۷۸۶	نساجی دستی و روستائی چرم
.	۹/۴۰۰	۱/۰۶۵	۱/۹۵۷	۳/۴۰۶	سلولزی و چاپ
۷/۱۱۱	۹/۵۶۹	۲۲/۲۵۲	۳۰۰۰	۱۹۶۴۹	شیمیایی و پتروشیمی
۵۳۳	۳۱۴۴	۳۰۶۳	۴۲۴۸	۴۸۳۲	معدنی غیر فلزی
۷۰/۲۶۵	۵۹/۱۹۵	۵۵/۷۱۹	۸۶/۹۲۴	۶۵۱۱۹	فلزی و ذوب فلز
۳/۱۰۰	۳/۴۷۰	۵/۵۴۹	۷/۹۵۹	۵۶۶۴	مکانیکی
۳۹۷۰	۱/۲۵۰	۱/۵۹۵	۱/۳۶۲	۳۶۵	الکتریکی و الکترونیکی
۴/۲۰۰	۲/۰۴۰	۶/۵۰۵	۱۲/۳۴۹	۹۶۹۷	وسائط نقلیه
.	برنامه تاسیسات صدمه دیده شده
۷۱۱	۵۵۸	۴۳۶	۱/۰۸۹	۱۴۳	برنامه نظارت بر امور صنفی و بررسی و تحقیق
.	.	۱/۳۱۵	۲/۲۹۱	۱۷۱۸	برنامه کمکهای فنی
۹۴۶۶۹	۸۹۶۶۰	۱۰۶۱۰۲	۱۵۹۷۱۸	۱۱۸۵۵۵	جمع

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترانزنامه های سالهای مختلف. (تهران:

بانک مرکزی ج. ۱۰۱)

۴۰ ماهنامه بررسیهای بازرگانی

جدول (۷). درصد ارزش مواد اولیه خارجی مصرف شده نسبت، کل مواد مصرفی در کارگاههای صنعتی کشور بر حسب فعالیت و طبقات کارکن ۱۳۶۶

فعالیت / طبقات کارکن	جمع	۱ - ۹	۱۰ - ۲۹	۵۰ - ۹۹	۱۰۰ - ۲۹۹	۵۰۰ - ۹۹۹	۱۰۰۰ و بیشتر
کل صنایع	۱۹/۴	۱۰/۲	۱۸/۷	۳۰/۶	۲۹/۱	۲۸/۸	۳۰/۹
صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	۱۲/۵	۳/۶	۱۵/۲	۲۴/۶	۲۱/۳	۱۷	۱۳/۷
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۴/۵	۹/۲	۸/۳	۱۸/۲	۱۶/۵	۲۰/۵	۳۵/۱
صنایع چوب و محصولات چوبی	۱۲/۹	۱۳	۵/۵	۲۶	۱۲/۳	۰	۲۸/۳
صنایع کاغذ و مقوا و چاپ و انتشار	۳۷/۸	۳۸	۳۶/۶	۱۸/۴	۴۸	۱۵/۴	۳۸/۶
صنایع شیمیایی نفت، ذغال سنگ و لاستیک و پلاستیک	۴۱/۸	۲۱/۹	۳۷	۲۶/۸	۵۳/۷	۷۰/۸	۳۹/۲
صنایع محصولات کانی غیر فلزی	۶/۵	۳/۴	۵/۱	۷/۵	۱۲/۸	۱۱/۴	۱۱/۸
صنایع تولید فلزات اساسی	۳۶/۳	۶/۷	۳۲/۸	۴۳/۹	۵۸/۶	۵۰/۲	۳۸/۷
صنایع ماشین آلات، تجهیزات ابزار و محصولات فلزی	۲۲/۹	۱۳/۱	۳۲/۳	۴۶/۹	۴۹/۲	۳۱/۴	۳۷/۴
صنایع متفرقه	۲۳/۲	۱۰/۱	۶۰/۲	۲۳/۷	۶۰/۵		

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۶۷، (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸).

جدول (۸). درصد شاغلان دارای تحصیلات متوسطه و عادی در بخش صنعت

صنعت	شاخص کمال	درصد دارندگان تحصیلات متوسطه	درصد دارندگان تحصیلات عالی	شاخص نسبی مطلق سرمایه انسانی
کل صنعت کشور	۱۰۰	۱۱/۹	۱/۷	۱۳/۶
صنایع غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	۱۰۰	۹/۴	۱/۲	۱۰/۶
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۰۰	۷/۶	۰/۶	۸/۲
صنایع چوب و محصولات چوبی	۱۰۰	۱۱/۸	۰/۹	۱۲/۷
صنایع کاغذ، مقوا و چاپ و انتشار	۱۰۰	۲۹/۷	۴/۱	۳۳/۸
صنایع شیمیایی و پالایش نفت	۱۰۰	۲۶/۴	۶/۳	۳۲/۷
صنایع محصولات کانی غیر فلزی	۱۰۰	۸/۲	۱/۲	۹/۴
صنایع تولید فلزات اساسی	۱۰۰	۲۰/۲	۵/۴	۲۵/۶
صنایع ماشین آلات و تجهیزات	۱۰۰	۱۷/۱	۲/۴	۱۹/۵

مأخذ: اطلاعات سیاسی-اقتصادی، نقش سرمایه انسانی در توسعه صنعتی، شماره ۳۰

جدول (۹). وضعیت تخصصی در برخی از رشته‌های صنعتی صنایع سرمایه‌ای (کره جنوبی، هند، ایران)

ایران		هند		کره جنوبی		رشته‌های صنایع سرمایه‌ای
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
ساختن ماشین‌آلات چوب‌بری و فلزکاری						
۱۰۰	۱۰۰۳	۱۰۰	۲۶۲۸	۱۰۰	۹۳۳	کل کارکنان
۲/۴	۱۴	۲۱/۴	۵۶۴	۱۱/۶	۱۰۹	کارکنان با تحصیلات عالی
ساختن ماشین‌آلات صنعتی						
۱۰۰	۲۳۰۱	۱۰۰	۸۲۱	۱۰۰	۵۸۵	کل کارکنان
۴/۷	۱۰۸	۱۹/۸	۱۸۹	۱۵/۱	۸۸	کارکنان با تحصیلات عالی
ساختن ماشین‌آلات و دستگاه‌های کامل برفی						
۱۰۰	۶۷۸۲	۱۰۰	۹۹۴۹	۱۰۰	۲۷۲۲	کل کارکنان
۴/۵	۳۰۲	۲۵/۵	۲۵۱۵	۱۴/۵	۳۹۵	کارکنان با تحصیلات عالی

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، صنایع ایران و وضع موجود آن: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۷.

فهرست منابع و مأخذ:

- ۱- رزاقی، ابراهیم. اقتصاد ایران. تهران: انتشارات نی، ۱۳۶۷.
- ۲- فشاهی، محمد رضا. تکوین سرمایه‌داری در ایران (۱۷۹۶-۱۹۰۵). تهران: انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۶۰.
- ۳- کمیته برنامه‌ریزی صنعت استان اصفهان. الگوی مصرف و ساخت اقتصادی. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۶۶.
- ۴- اشرف، احمد. موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، (تهران: انتشارات زمینه، ۱۳۵۹).
- ۵- سازمان برنامه و بودجه. صنایع ایران و وضع موجود آن. تهران: سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۷.
- ۶- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب. تهران: بانک مرکزی ج. ۱. ۱.

- ۷- مرکز آمار ایران. سالنامه‌های آماری سالهای مختلف. تهران: مرکز آمار ایران، سالهای مختلف.
- ۸- بانک مرکزی ج. ا. ۱. گزارش اقتصادی و ترانزنامه‌های سالهای مختلف. تهران: بانک مرکزی ج. ا. ۱. سالهای مختلف.
- ۹- مرکز آمار ایران. آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی تحت مدیریت بخش عمومی، ۱۳۶۵، منتج از آمارگیری سال ۱۳۶۶. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۱۰- نشریهٔ کیمیا. مقالهٔ «حرفهایی دربارهٔ صنعت و آیندهٔ آن در ایران». شمارهٔ ۸، ۱۳۶۸.
- ۱۱- اطلاعات سیاسی، اقتصادی. مقاله «نقش سرمایهٔ انسانی در توسعهٔ صنعتی»، شمارهٔ ۳۰، ۱۳۶۸.
- ۱۲- ضمیمه اقتصادی روزنامهٔ اطلاعات ویژه توسعه صنعتی، گفتگو با مهندس بهزاد نبوی، مهندس عزت‌اله سبحانی، مهندس واقفی، دکتر حسین عظیمی، محسن طلایی و...، یکشنبه ۴ اسفند ۱۳۶۴.
- ۱۲- شوماخر، ای. اف. اقتصاد با ابعاد انسانی کوچک زیباست. ترجمهٔ علی رامین. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۰.
- ۱۳- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا سقوط رضاشاه). تهران: انتشارات پاپیروس، ۱۳۶۶.
- ۱۴- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران (سلطنت محمد رضاشاه). تهران: انتشارات پاپیروس، ۱۳۶۸.
- ۱۵- سوداگر، محمد. نظام ارباب-رعیتی در ایران. تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند، ۱۳۵۹.
- ۱۶- سوداگر، محمدرضا. رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی ۱۳۴۰-۱۳۰۴). تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند.
- ۱۷- سوداگر، محمدرضا. رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله گسترش). تهران: انتشارات شعله اندیشه ۱۳۶۹.
- ۱۸- یونیدو، صنعت در جهان متغیر. ترجمهٔ غلامرضا نصیرزاده. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.